

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Conflict Between Urban Development and Architectural Heritage
Conservation in Iran's Historic Cities (An Analysis of the Destructive Impacts
of Development Projects on the Heritage Fabrics of Tabriz and Yazd Abstract)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تعارض توسعه شهری و حفاظت از میراث معماری در شهرهای
تاریخی ایران
(تحلیل اثرات مخرب پروژه‌های توسعه بر بافت‌های میراثی تبریز و یزد)*

علیرضا دهقانی اشکذری^{۱*}، ملیکا فدوی^۱، محمدتقی پیربابایی^۱

۱. گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

چکیده

بیان مسئله: تنش میان الزامات توسعه شهری مدرن (تجاری‌سازی و زیرساخت‌های گردشگری) و ضرورت حفاظت از میراث معماری، یکپارچگی بافت‌های تاریخی تبریز و یزد را تهدید می‌کند. فقدان مستندسازی دقیق و ضعف در اجرای قوانین حفاظتی نیز این بحران را تشدید کرده است.
هدف پژوهش: هدف از این پژوهش، تحلیل کمی و کیفی اثرات مخرب توسعه بر میراث معماری، شناسایی الگوهای فضایی تخریب و ارزیابی اثربخشی چهارچوب‌های حفاظتی موجود است.
روش پژوهش: این پژوهش از روش «ترکیبی با طرح تبیینی متوالی» و مبتنی بر پارادایم «منظر شهری تاریخی (HUL)» بهره برده است. در فاز کمی، ۱۵۶ پلاک میراثی به‌عنوان «حسگر شهری» پیمایش میدانی و تحلیل GIS شدند. در فاز کیفی، با استفاده از استراتژی «نمونه‌گیری آشیانه‌ای» و تمرکز بر «موارد انحرافی»، ۴۷ مصاحبه با ذی‌نفعان پلاک‌های دارای بیشترین تخریب انجام شد تا مشاهدات خرد به‌صورت استقرایی تعمیم یابند.
نتیجه‌گیری: یافته‌ها تأیید می‌کنند تغییرات خرد به‌طور سیستماتیک باعث دگرگونی مخرب کلان شده‌اند؛ به‌طوری‌که ۳۴/۶ درصد از نمونه‌های تبریز (عمدتاً بازآفرینی تجاری در بازار) و ۲۸/۶ درصد در یزد (هتل‌سازی شتاب‌زده در فهادان) دچار تخریب ساختاری شده‌اند. پژوهش سه سازوکار اصلی شامل «تخریب پنهان»، «ناپایداری سازه‌ای» و «اعیان‌نشینی» را شناسایی کرده و بر لزوم گذار فوری به رویکرد حفاظتی HUL تأکید دارد.
واژگان کلیدی: توسعه شهری، میراث معماری، شهرهای تاریخی، گسترش تجاری، تأثیر گردشگری، حفاظت فرهنگی.

مقدمه

یافته‌اند، مشخص می‌شوند (Hanachi et al., 2018). باین حال، ورود به دوران معاصر که با پدیده‌هایی نظیر شهرنشینی سریع، آزادسازی اقتصادی و تغییرات بنیادین در الگوهای زیستی همراه بوده است، این شهرهای میراثی را در تقاطع الزامات متضاد و چالش‌برانگیز قرار داده است. از یک سو، ضرورت انکارناپذیر حفاظت از دارایی‌های فرهنگی بی‌بدیل به‌عنوان سند هویت ملی و تداوم‌بخش حافظه جمعی وجود دارد و از سوی دیگر، فشار فزاینده‌ای برای پاسخ‌گویی به تقاضاهای توسعه مدرن، تأمین نیازهای اقتصادی جمعیت روبه‌رشد و ارتقای زیرساخت‌های شهری احساس می‌شود.

تعارض میان توسعه شهری و حفاظت از میراث در دهه‌های اخیر در ایران به‌شدت افزایش یافته و به یک بحران ساختاری مبدل شده است. این تعارض ناشی از عوامل متعددی همچون

شهرهای تاریخی، فراتر از مجموعه‌ای از کالبد‌های فیزیکی و مصالح ساختمانی، مخازن زنده حافظه فرهنگی، نوآوری‌های هوشمندانه معماری و تداوم اجتماعی هستند که قرن‌ها سازگاری انسان با شرایط پیچیده محیطی، اقتصادی و سیاسی را در خود جای داده‌اند. در فلات ایران، شهرهایی نظیر تبریز و یزد نمونه‌های برجسته‌ای از این میراث شهری را نمایندگی می‌کنند. این شهرها با سنت‌های معماری متمایز، سیستم‌های پیچیده مدیریت آب (همچون شبکه‌های درهم‌تنیده قنات‌ها) و مورفولوژی‌های ارگانیک شهری که در طول هزاران سال تکامل

* این مقاله در همایش بین‌المللی «میراث معماری در خطر» که در تاریخ ۲۹ مهر ۱۴۰۴ به میزبانی مجتمع علمی، فرهنگی و تاریخی ربع رشیدی تبریز و مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ سازمان فرهنگی اسلامی (ارسیکا) برگزار شد، ارائه شده است.
** نویسنده مسئول: ar.ashkezari@tabriziau.ac.ir، ۰۹۱۴۰۷۱۸۲۰۰

این پژوهش فراتر از مستندسازی صرف موارد خاص در تبریز و یزد است. این مطالعه به پرسش‌های بنیادین و جهان‌شمول درباره پایداری الگوهای توسعه شهری در زمینه‌های تاریخی، کارایی چهارچوب‌های قانونی و نهادی حفاظت از میراث در کشورهای درحال گذار و پیامدهای بلندمدت و جبران‌ناپذیر اولویت‌دهی به منافع اقتصادی کوتاه‌مدت بر حفاظت فرهنگی می‌پردازد. تجربیات شهرهای میراثی ایران بینش‌های حیاتی درباره سازوکارهای سیستماتیک تخریب میراث و مسیرهای بالقوه به سوی مدل‌های توسعه متوازن تر ارائه می‌دهد (Wells & Stiefel, 2018). پژوهش‌های کنونی درباره حفاظت از میراث در ایران، علی‌رغم وجود مطالعات ارزشمند، شکاف‌های قابل توجهی در مستندسازی تجربی دقیق از دست‌رفتن میراث، تحلیل نظام‌مند سازوکارهای تأثیر توسعه (فراتر از تخریب فیزیکی مستقیم) و ارزیابی کمی و کیفی هم‌زمان اثربخشی چهارچوب‌های نظارتی نشان می‌دهد (Khakzand & Griffiths, 2016). این مطالعه با هدف پرکردن این شکاف تحقیقاتی، این پرسش اصلی را مطرح می‌سازد که پروژه‌های گسترش تجاری و توسعه مبتنی بر گردشگری چگونه بر میراث معماری و بافت شهری تاریخی تبریز و یزد تأثیر می‌گذارند و چه سازوکارهایی (فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی) در پس این فرایندهای تخریبی قرار دارند؟

پیشینه پژوهش و چهارچوب نظری

• **چهارچوب‌های نظری: اقتصاد سیاسی فضا، کالایی‌سازی میراث و پارادایم‌های نوین حفاظت**
حفاظت از میراث معماری و بافت‌های شهری در دوران معاصر، مدت‌هاست از یک دغدغه صرفاً کالبدی، کالبدشناسانه، زیبایی‌شناسانه یا محدود به موزه‌داری فراتر رفته و به کانون اصلی منازعات پیچیده و درهم‌تنیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مبدل شده است. فهم دقیق و روشمند تعارضات عمیق میان الزامات توسعه شهری مدرن و ضرورت صیانت از بافت‌های تاریخی، به‌ویژه در بستر شهرهای درحال گذار و واجد ارزش‌های جهانی همچون تبریز و یزد، نیازمند عبور از رویکردهای تقلیل‌گرایانه کالبد-محور و اتخاذ یک چهارچوب نظری جامع، انتقادی و چندوجهی است. چنین چهارچوبی باید این ظرفیت را داشته باشد که نیروهای پنهان محرک بازار، مناسبات درهم‌تنیده قدرت، سیاست‌گذاری‌های نولیبرال شهری و پیامدهای سهمگین فضایی آن‌ها را در مواجهه با مفهوم چندلایه میراث تبیین کند. براین اساس، مبانی نظری این پژوهش جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش و تحلیل داده‌های میدان، بر شش رکن اساسی و پیوسته استوار گردیده است: مکتب اقتصاد سیاسی فضا، پویایی‌شناسی پارادایم تخریب خلاق، اعیان‌نشینی گردشگری مینا (و پیامد بلافصل آن یعنی موزه‌ای شدن فضاهای

رشد شتابان جمعیت شهری، بازسازی اقتصادی پس از جنگ، گسترش بی‌ضابطه صنعت گردشگری و تغییر اولویت‌های حاکمیتی به سمت درآمدزایی از فضاهای شهری است. این تنش، به شدیدترین و عریان‌ترین شکل خود در بازآفرینی تجاری هسته‌های تاریخی شهری نمایان می‌شود؛ جایی که ارزش افزوده اقتصادی املاک و مستغلات در مناطق مرکزی شهر، اغلب بر ملاحظات مربوط به اهمیت فرهنگی، اجتماعی و تاریخی غلبه می‌کند (Pendlebury, 2013). در این بافت‌ها، نگاه کالایی به زمین و فضا، منجر به تخریب‌های گسترده، نوسازی‌های غیراصولی و تغییر کاربری‌های نامتجانسی شده است که اصالت و یکپارچگی^۱ بافت را به مسلخ می‌برد. این تعارض عمیق، به شکلی بحرانی در هسته‌های تاریخی کلان‌شهرهای تبریز و یزد نمایان شده است؛ جایی که فشارهای خردکننده توسعه، رویکرد حفاظت را از منظر شهری و کل‌نگر دور ساخته و به رویکردهای تقلیل‌گرایانه و «تک‌بنا محور» سوق داده است. در بافت تاریخی تبریز، مجموعه بازار که در سال ۲۰۱۰ میلادی با اثبات ارزش‌های برجسته جهانی خود در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد، یک کل ارگانیک، درهم‌تنیده و یک اکوسیستم اقتصادی-اجتماعی است (UNESCO, 2010). با این حال، مداخلات توسعه‌ای اغلب با نگاهی نقطه‌ای و ایزوله، کالبد تک‌بناهایی نظیر سراها، کاروان‌سراها و تیمچه‌ها را هدف قرار می‌دهند. تغییر مصالح کف‌سازی، افزودن سازه‌های فلزی به سقف‌ها در این پلاک‌های منفرد و تبدیل آن‌ها به پاساژهای مدرن، تنها اصالت یک ساختمان منفرد را تهدید نمی‌کند، بلکه به‌مثابه اختلال در یک سلول حیاتی، یکپارچگی فضایی، عملکردی و اکولوژیک کل سیستم بازار را مخدوش می‌سازد (Mousavi & Mousavi, 2018). به‌طور مشابه، بافت تاریخی شهر یزد که در سال ۲۰۱۷ میلادی به دلیل معماری کویری یکپارچه، سازگاری هوشمندانه با اقلیم و سیستم پیچیده قنات‌ها عنوان میراث جهانی را از آن خود کرد، با چالش جدی از هم‌گسیختگی بافتی روبرو است (UNESCO, 2017). گسترش زیرساخت‌های گردشگری و تبدیل شتاب‌زده تک‌خانه‌های مسکونی اصیل به هتل‌ها و اقامتگاه‌های بوم‌گردی، اگرچه در ظاهر و در مقیاس خرد کالبد خشتی بنا را حفظ می‌کند اما در مقیاس کلان، به دلیل ایجاد ساخت‌وسازهای ناهمگون در حریم بناها و تغییر ماهیت جمعیتی و کارکردی، یکپارچگی ساختاری و اصالت شبکه مورفولوژیک و اجتماعی کل بافت را به خطر انداخته است (Abdollahi & Hosseini, 2020). در حقیقت، درک صحیح از تحولات بافت میراثی این دو شهر، مستلزم واکاوی دقیق دگرگونی‌ها در مقیاس تک‌بناهاست، زیرا این اجزای خرد به‌عنوان حاملان کالبدی^۲ و سلول‌های بنیادین بافت عمل می‌کنند و هرگونه تغییر در آن‌ها، واکنش‌های زنجیره‌ای در کل اکوسیستم شهری ایجاد می‌کنند (Tian, 2024). اهمیت

مفهوم «تخریب خلاق»^۲ است. این مفهوم که توسط دیوید هاروی (Harvey, 1989) بسط یافت، استدلال می‌کند که نظام سرمایه‌داری برای فرار از بحران‌های انباشت بیش‌ازحد و بازآفرینی مداوم خود، ناگزیر است کالدهای تاریخی پیشین را ویران کند تا فضاهای جدیدی بسازد. تخریب، یک الزام ساختاری برای خلق ارزش افزوده است. در بستر کلان‌شهرهای ایران، پارادایم تخریب خلاق اغلب در پوشش واژگان مشروعیت‌بخش تکنوکراتیکی همچون پروژه‌های «ساماندهی» و «بازآفرینی شهری» پنهان می‌شود. در این رهیافت خشن، برنامه‌ریزان شهری با اتخاذ رویکرد «لوح سفید»^۳، بافت‌های ارگانیک را صرفاً موانعی مزاحم بر سر راه مدرنیزاسیون تلقی می‌کنند. نمونه بارز این فرایند در تبریز، مداخلات وسیع در محدوده میدان شهید بهشتی (منصور سابق) است. در این پروژه‌ها، به وضوح شاهد پدیده‌ای هستیم که می‌توان آن را «نولیبرالیسم ترکیبی»^۴ نامید؛ جایی که تخریب کامل بافت‌های مسکونی تاریخی به منظور خلق مراکز تجاری مدرن صورت می‌گیرد، اما همزمان برای مشروعیت‌بخشی به این تخریب، از عناصر تزئینی یا کالدهای نمادین محدود (مانند حفظ یک مسجد تاریخی در وسط میدان یا استفاده از سنگفرش‌هایی با نقش قالی) بهره‌برداری می‌شود. در این پروژه‌ها، رویکرد تقلیل‌گرایانه‌ای دیده می‌شود که نظریه‌پردازان آن را استراتژی «تخم فاخته»^۵ می‌نامند. در این مکانیزم فریبنده، توسعه‌گران بخش کوچکی از میراث (مثلاً نمای یک کاروان‌سرا) را حفظ کرده و از آن به‌عنوان برندینگ برای پروژه‌های عظیم تجاری خود استفاده می‌کنند، در حالی که کل اکوسیستم اجتماعی پیرامون آن نابود شده است.

- اعیان‌نشینی گردشگری مینا، کالای‌سازی فرهنگ و سندرم موزه‌ای شدن

در شهرهایی مانند یزد، تهدیدات از جنس «اعیان‌نشینی گردشگری مینا»^۶ و «توریستی‌سازی» است. مفهوم اعیان‌نشینی در بستر میراثی، فرایندی است که سرمایه‌داران غیربومی خانه‌های تاریخی را خریداری کرده و کاربری مسکونی را به نفع هتل‌بوتیک‌ها و رستوران‌های سنتی تغییر می‌دهند. افزایش نجومی ارزش املاک باعث رانده‌شدن ساکنان بومی به حاشیه شهرها می‌شود. این پدیده مستقیماً با «کالای‌سازی فرهنگ و میراث»^۷ در ارتباط است (Ferro et al., 2024). میراث از بستر معنایی و زیستی خود جدا شده و صرفاً به یک کالای مصرفی جذاب برای گردشگران تبدیل می‌گردد. پیامد تراژیک این پدیده، بروز سندرمی به نام «موزه‌ای شدن»^۸ است. در این فرایند، کالبد فیزیکی بناها حفظ می‌شود اما با خروج سکنه بومی، «روح مکان»^۹ تبخیر می‌گردد. شهر تاریخی به یک «دکور صحنه تئاتر»^{۱۰} بدل می‌شود که تنها برای تجربه نوستالژیک گردشگران طراحی شده است. اعیان‌نشینی در

زیستی)، پدیدارشناسی تخریب پنهان، گفتمان میراث مجاز و در نهایت رویکرد پادزهرگونه و جامع‌نگر چشم‌انداز شهری تاریخی (HUL). در ادامه، هر یک از این لنزهای نظری با تمرکز بر بستر شهرهای تاریخی ایران کالبدشکافی می‌شوند.

- اقتصاد سیاسی فضا و دیالکتیک تولید فضای انتزاعی در هسته‌های تاریخی

برای درک ریشه‌های ساختاری، نهادی و سیستماتیک تخریب بافت‌های میراثی در ایران، واکاوی مفهوم «تولید فضا» در بستر مکتب «اقتصاد سیاسی فضا» اهمیت بنیادین و غیرقابل‌انکار دارد. براساس آرای نظریه‌پردازان پیشگامی چون هانری لوفور (Lefebvre, 1991)، فضا دیگر یک برون‌داد خنثی، یک ظرف فیزیکی تهی یا یک بستر منفعل برای وقوع رویدادهای اجتماعی نیست؛ بلکه فضا ذاتاً یک «محصول اجتماعی و سیاسی» است که در تعامل پیوسته، دیالکتیکی و تنش‌زا با مناسبات قدرت، ایدئولوژی‌های حاکم و شیوه‌های انباشت سرمایه شکل می‌گیرد، تخریب می‌شود و مجدداً بازتولید می‌گردد. لوفور (ibid.) در تریلوژی فضایی خود، فضا را به سه بعد «فضای درک‌شده» (کالبدی)، «فضای مفهوم‌سازی‌شده» (فضای برنامه‌ریزان و سرمایه‌داران) و «فضای زیست‌شده» (فضای روزمره و حیات اجتماعی ساکنان) تقسیم می‌کند. در شهرهای تاریخی ایران، بحران از جایی آغاز می‌شود که فضای مفهوم‌سازی‌شده سعی در تسخیر، سرکوب و محو کامل فضای زیست‌شده تاریخی دارد. با رسوخ سیاست‌های مبتنی بر نولیبرالیسم به بدنه مدیریت شهری در ایران طی سه دهه اخیر، شهرها عملاً به موتورهای اصلی انباشت سرمایه و ماشین‌های رشد تبدیل شده‌اند. در این پارادایم مسلط، فضای شهری انحصاراً بر مبنای «ارزش مبادلاتی» و قابلیت‌های سودآوری در بازار مستغلات سنجیده می‌شود و نه براساس «ارزش مصرفی» (نظیر هویت تاریخی و همبستگی محله‌ای). فرایند بی‌رحمانه کالای‌سازی فضا، بافت‌های واجد ارزش را به فرصت‌های طلایی برای سفته‌بازی زمین بدل کرده است. هسته‌های تاریخی همچون بازار تبریز اکنون به‌عنوان عرصه‌هایی مستعد برای «تولید فضای انتزاعی» در نظر گرفته می‌شوند؛ فضایی همگن، کمی‌شده و تهی از تفاوت‌های فرهنگی که سرمایه آن را می‌طلبد. از منظر نهادی، مدیریت شهری در ایران که متکی بر درآمدهای ناپایدار فروش تراکم است، توسعه تجاری در این بافت‌ها را به‌عنوان ابزاری برای تأمین درآمدهای شهرداری می‌نگرد. این تضاد بنیادین میان منطق سرمایه و منطق حفاظت اصولی، بستر اصلی تعارضات را شکل می‌دهد.

- پویایی‌شناسی پارادایم تخریب خلاق و استراتژی نوسازی تجاری تهاجمی

گسترش بی‌امان مجتمع‌های تجاری مدرن، مال‌ها و پاساژها در حریم بازارهای تاریخی، نیازمند صورت‌بندی نظری در قالب

مجموعه‌ای از ساختمان‌های قدیمی نیست، بلکه موجودی است زنده و مجموعه‌ای است لایه‌لایه از تنوع زیستی، توپوگرافی و ژئومورفولوژی طبیعی، شبکه‌های اقتصادی محلی، سنت‌های ناملموس، آیین‌ها، شیوه‌های زیست روزمره و در نهایت کالبد معماری. پارادایم HUL، تضاد دوگانه، سنتی و مخرب میان «توسعه شهری» و «حفاظت از میراث» را به چالش می‌کشد و استدلال می‌کند که میراث شهری نباید به‌مثابه یک جزیرهٔ منزوی، فریزشده و دست‌نخورده در برابر موج توسعهٔ شهر مدرن قرار گیرد؛ بلکه برعکس، میراث و فرهنگ باید به‌عنوان یک منبع سرمایهٔ اجتماعی و موتور محرک کلیدی برای «توسعهٔ پایدار شهری» عمل کند. در این چهارچوب نوین، حفاظت دیگر یک فعالیت محدودکننده و بازدارنده نیست، بلکه یک فرایند دموکراتیک، تسهیل‌گر و مشارکتی است که مستلزم درگیرکردن طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان (شامل بخش خصوصی، سرمایه‌گذاران، جوامع محلی، ساکنان بومی، سازمان‌های مردم‌نهاد مدنی (NGOs) و نهادهای دولتی) در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی است. از منظر کاربردی و نظری، HUL با تأکید مستمر بر حفظ کارکردهای اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی و ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها، مستقیماً در برابر پدیدهٔ «موزه‌ای شدن» و «اعیان‌نشینی مبتنی بر طرد ساکنان» مقاومت می‌کند. همچنین، با اولویت‌دادن به پیوستگی منظرین و اکولوژیک (نظیر توجه ویژه به حفظ حریم شریان‌های حیاتی مانند قنات‌ها، باغات و توپوگرافی شهر)، مانع از اجرای سیاست‌های کورکورانهٔ «تخریب خلاق» و «پروژه‌های بازآفرینی تهاجمی» مقطعی می‌شود (Bandarin & Van Oers, 2012). به بیان دیگر، HUL یک چهارچوب عملیاتی، مفهومی و ابزاری فراهم می‌آورد تا شهروندان و برنامه‌ریزان شهری بتوانند بدون قربانی کردن هویت تاریخی و حافظهٔ جمعی، ارزش‌ها، نیازها و زیرساخت‌های معاصر را در هماهنگی کامل در دل بافت‌های کهن ادغام کنند و فضایی تاب‌آور برای آیندگان به ارمغان آورند.

- سنتز نظری: صورت‌بندی مفاهیم در بستر پژوهش با تلفیق مکاتب فکری فوق‌الذکر، این پژوهش مدل مفهومی خود را بر این گزاره استوار می‌سازد که: تخریب میراث شهری در تبریز و یزد، معلول ناکارآمدی‌های تکنیکی مرمت نیست؛ بلکه خروجی بلافصل اقتصاد سیاسی فضای حاکم، غلبهٔ ارزش مبادلاتی بر ارزش مصرفی و شکست نهادهای متولی در اتخاذ رویکردی جامع‌نگر (نظیر HUL) است که منجر به بروز پدیده‌هایی نظیر تخریب خلاق، اعیان‌نشینی گردشگری و تخریب پنهان شده است. **جدول ۱** نحوهٔ تناظر و کاربست این لنزهای نظری را در میدان تجربی پژوهش خلاصه می‌کند (تصویر ۱).

این‌جا نه تنها کالبد را منجمد می‌کند، بلکه «حق بر شهر»^{۱۴} را از جوامع محلی سلب می‌نماید.

- پدیدارشناسی تخریب پنهان: مکانیزم‌های زوال غیرمادی و کالبدی

«تخریب پنهان»^{۱۵} یکی از مودی‌ترین مکانیزم‌های تهدید است که شامل مجموعه‌ای از رهاسازی‌های عامدانه و دگرگونی‌های خاموشی است که به زوال کامل کالبدی می‌انجامد. این پدیده ریشه در «تناقض حفاظتی»^{۱۶} دارد. قوانین صلب و فاقد مشوق‌های اقتصادی در ایران، مالکان بناهای تاریخی را در بن‌بست گرفتار می‌کنند. در شرایط تورمی، ارزش زمین خالی در هسته‌های مرکزی بسیار بالاتر از ارزش یک بنای تاریخی ثبت‌شده است. مالکان برای دورزدن قوانین منع تخریب، به «استراتژی‌های فرسایش عامدانه» متوسل می‌شوند: مسدودکردن ناودان‌ها، هدایت آب‌های سطحی به پی‌های خشتی و ایجاد حریق‌های عمدی. هدف نهایی، رساندن بنا به فروپاشی سازه‌ای برای دریافت گواهی «عدم ایستایی» و مجوز تخریب نوسازی است. این پدیده فرایندی از «غیرمادی‌سازی»^{۱۷} است که در آن خلاءهای قانونی خود به بزرگ‌ترین دشمن میراث کالبدی تبدیل می‌شوند.

- گفتمان میراث مجاز (AHD) و حاشیه‌رانی تاریخ‌های روزمره

نظریهٔ «گفتمان میراث مجاز»^{۱۸} (AHD) که توسط اسمیت (Smith, 2006) مطرح شد، استدلال می‌کند که یک گفتمان رسمی و بالا به پایین تعریف می‌کند چه چیزی میراث است. این گفتمان تکنوکراتیک، تمایل دارد ارزش میراثی را منحصرأ در بناهای یادمانی و مساجد عظیم جست‌وجو کند و ارزش بافت‌های مسکونی روزمره و معماری بومی^{۱۹} را نادیده بگیرد. در شهرهای تاریخی ایران، غلبهٔ این گفتمان باعث شده است تا حفاظت، امری کالبد-محور و متمرکز بر «تک‌بناهای شاخص» باشد. نتیجهٔ عملی این رویکرد آن است که برنامه‌ریزان شهری به راحتی مجوز تخریب خانه‌های تاریخی را برای تعریض خیابان‌ها صادر کنند، با این توجیه که فاقد ارزش «یادمانی» یا ملی هستند. این تقلیل‌گرایی، ریشهٔ تئوریک توجیه‌گر تخریب بافت‌های پیوسته و ارگانیک در تبریز و یزد است.

- پارادایم پادزهر: چشم‌انداز شهری تاریخی (HUL) به‌مثابه چهارچوب یکپارچه‌ساز

در پاسخ به بحران‌های ناشی از اقتصاد سیاسی، پارادایم «چشم‌انداز شهری تاریخی»^{۲۰} (HUL) به‌عنوان جامع‌ترین الگو توسط یونسکو معرفی شد (UNESCO, 2011). رویکرد HUL فراتر از یک دستورالعمل ساده، نشان‌دهندهٔ یک تغییر پارادایم بنیادین از «حفاظت شیء‌محور، منجمد و تک‌بنا» به رویکرد «مدیریت کل‌نگر، پویا و همه‌جانبهٔ اکوسیستم شهری» است. براساس این نظریه، شهر تاریخی صرفاً

جدول ۱. صورت‌بندی انتقادی مبانی نظری و تناظر آن با مکانیزم‌های تأثیرگذار بر بافت‌های تاریخی تبریز و یزد. مأخذ: نگارندگان.

چهارچوب نظری / مکتب فکری	کانون تمرکز نظریه	پدیده شهری منتج از نظریه در بافت تاریخی	بروز کالبدی و اجتماعی در بستر پژوهش	نمونه موردی مناظر در شهرها
اقتصاد سیاسی فضا (لوفور، هاروی)	تولید فضا به‌مثابه محصول مناسبات قدرت و سرمایه	کالایی‌سازی فضا، سلب مالکیت، سوداگری املاک شهری	جایگزینی ارزش فرهنگی با ارزش مبادلاتی، تراکم‌فروشی نهادهای مدیریت شهری برای کسب درآمد	تبریز: ساخت مجتمع‌های تجاری بزرگ‌مقیاس و پاساژها در حریم بلافصل بازار تاریخی
تخریب خلاق (هاروی، شومپتر)	ویرانی کالبد پیشین برای تسهیل انباشت سرمایه جدید	لوخ سفید (Tabula Rasa)، استراتژی تخم‌فاخته در نوسازی	تخریب بافت‌های ارگانیک و محلات پیوسته به بهانه نوسازی، حفظ‌گرینی یک تک‌بنای یادمانی به‌عنوان نقاب	تبریز: پروژه‌های نوسازی خشن در بلوارها و میدانی اطراف بازار نظیر میدان شهید بهشتی
اعیان‌نشینی و موزه‌ای‌شدن (گلس، باومن)	جابه‌جایی طبقاتی و تغییر ماهیت اجتماعی فضا	توریستی‌سازی، جابه‌جایی جمعیتی طبقاتی، دکورسازی	خروج سکنة بومی اصیل، تغییر کاربری مسکونی به هتل‌بوتیک، ازبین‌رفتن اصالت و حیات روزمره	یزد: محله فهادان و تبدیل گسترده و سیستماتیک خانه‌های اعیانی به تأسیسات گردشگری
حفاظت انتقادی و تناقض نهادی (پدیدارشناسی زوال)	پیامدهای ناخواسته قوانین صلب و فاقد مشوق اقتصادی	تخریب پنهان، زوال غیرمادی، فرسایش عامدانه و تدریجی	تخریب ساختاری بنا از درون، مسدودکردن ناودان، هدایت رطوبت به پی، برداشتن سقف برای دریافت مجوز نوسازی	یزد و تبریز: تخریب خاموش خانه‌های تاریخی مسکونی جهت فروش زمین یا احداث سازه جدید
چشم‌انداز شهری تاریخی (HUL) (یونسکو)	گذار از بنای منفرد به درک اکوسیستم شهری و زیستی	حفاظت کل‌نگر، مدیریت اکوسیستم میراث، توسعه پایدار	مشارکت ذی‌نفعان، تلفیق توسعه مدرن با ارزش‌های هویتی، حفظ یکپارچگی ملموس (قنات‌ها) و ناملموس	راهبرد پیشنهادی: الزام به ارزیابی تأثیرات (HIA) و گذار از تک‌بنامحوری به حفاظت پیوسته

چالش‌های حفاظت از میراث در زمینه ایران

میراث شهری ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های متمایز روبرو است. اگرچه سابقه‌ای طولانی در قوانین حفاظت وجود دارد اما شکاف عمیقی میان قانون و عمل احساس می‌شود. مدیریت میراث با کمبود منابع مالی و تداخل وظایف میان نهادهای مختلف مواجه است (Hanachi et al., 2018). شهرداری‌ها که اغلب متکی بر درآمدهای ناشی از تراکم‌فروشی هستند، انگیزه‌های قدرتمندی برای صدور مجوزهای ساخت در حریم بناهای تاریخی دارند. طرح‌های بازآفرینی نیز گاهی منجر به اعیان‌نشینی می‌شوند (Mahmoudi Farahani & Motamed, 2018). اگرچه گردشگری می‌تواند منابع مالی برای حفاظت فراهم کند اما توسعه نامتوازن زیرساخت‌های گردشگری، مانند هتل‌سازی‌های بی‌رویه و تغییر کاربری‌های غیراصولی، فشار زیادی بر کالبد فرسوده بافت‌های تاریخی وارد می‌کند. قادری و هندرسون (Ghaderi & Henderson, 2012) نیز مستند کرده‌اند که در بسیاری از موارد، اصالت بناها قربانی نیازهای عملکردی گردشگری شده است.

بسترهای میراثی مورد مطالعه: تبریز و یزد

تبریز و بازار تاریخی: تبریز دارای تاریخچه‌ای غنی از تعاملات تجاری در مسیر جاده ابریشم است. بازار تاریخی تبریز، نمونه‌ای بی‌نظیر از یک مجتمع یکپارچه شامل راسته‌ها، تیمچه‌ها و سراهاست. فشارهای تجاری برای مدرن‌سازی مغازه‌ها، جایگزینی طاق‌ها با سقف‌های مسطح یا استفاده از بتن در مرمت و ساخت مجتمع‌های تجاری در حریم بازار، یکپارچگی بصری و کالبدی آن را به شدت تهدید می‌کند (Gharehbaglou et al., 2016).
یزد و بافت کویری: یزد نماد سازگاری هوشمندانه با اقلیم سخت کویر است و اکوسیستم زیستی کاملی با کوچه‌های سایه‌انداز (ساباط) و قنات‌ها را شامل می‌شود. ثبت جهانی یزد در سال ۲۰۱۷ فشارهای ناشی از گردشگری را افزایش داد (Abdollahi & Hosseini, 2020). رضازاده و محمودی (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان دادند که سیاست‌های شهری در یزد گاهی در جهت تسهیل تخریب بافت برای ایجاد دسترسی سواره و ساخت هتل‌ها عمل کرده‌اند. همچنین، پژوهش‌های نقیبه‌راد و همکاران (Naghbi Rad et al., 2019) تغییرات اجتماعی-



تصویر ۱. دیاگرام مفهومی پیشنهادی: مقایسه دو پارادایم حفاظتی (ترسیم نمودارها توسط هوش مصنوعی Gemini). مأخذ: نگارندگان.

تفسیر و کالبدشکافی چرایی و چگونگی بروز این روندهای کمی وارد عمل می‌شود. فاز کیفی با اتکا بر استراتژی «یکپارچه‌سازی از طریق اتصال در مرحله نمونه‌گیری»^{۲۴} توسعه یافت تا از استنتاج مستقیم و خطای متدولوژیک جلوگیری شود. با واکاوی پدیدارشناسانه موارد انحرافی، بستر برای استدلال استقرایی^{۲۵} فراهم گردید. این پژوهش طی یک بازه زمانی سه‌ساله (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳) و با تمرکز بر تعامل دیالکتیک میان دو پایگاه داده اجرا شده است (تصویر ۳).

• محدوده مطالعه و جامعه آماری

محدوده جغرافیایی این پژوهش، پهنه‌های بحرانی در هسته‌های تاریخی دو شهر تبریز و یزد را هدف قرار داده است. در تبریز، اگرچه براساس اسناد رسمی یونسکو مساحت کل عرصه ثبت جهانی مجموعه بازار برابر با ۲۸/۹۷ هکتار و حریم حفاظتی آن ۷۵/۴۰ هکتار برآورد شده است (UNESCO, 2010) اما قلمروی جغرافیایی محدوده‌بندی‌شده توسط پژوهشگران در این مطالعه، منحصرًا مساحتی در حدود ۷/۲ هکتار از هسته مرکزی و لایه حفاظتی بلافصل آن را در بر می‌گیرد. این محدوده که براساس روش‌شناسی «نمونه‌گیری فضایی هدفمند» انتخاب شده، شامل قطب‌های اصلی تجاری نظیر تیمچه مظفریه، سرای امیر و بافت‌های پیرامونی است که بیشترین تنش کالبدی را در مواجهه با مدرنیزاسیون تجربه می‌کنند. در خصوص شهر یزد نیز، درحالی‌که گستره عرصه ثبت جهانی شده به‌طور رسمی

فرهنگی ناشی از گردشگری و تبدیل شدن محلات مسکونی به «مناطق توریستی» خالی از سکنه بومی را به‌عنوان یک تهدید جدی برای «روح مکان» شناسایی کرده‌اند (تصویر ۲).

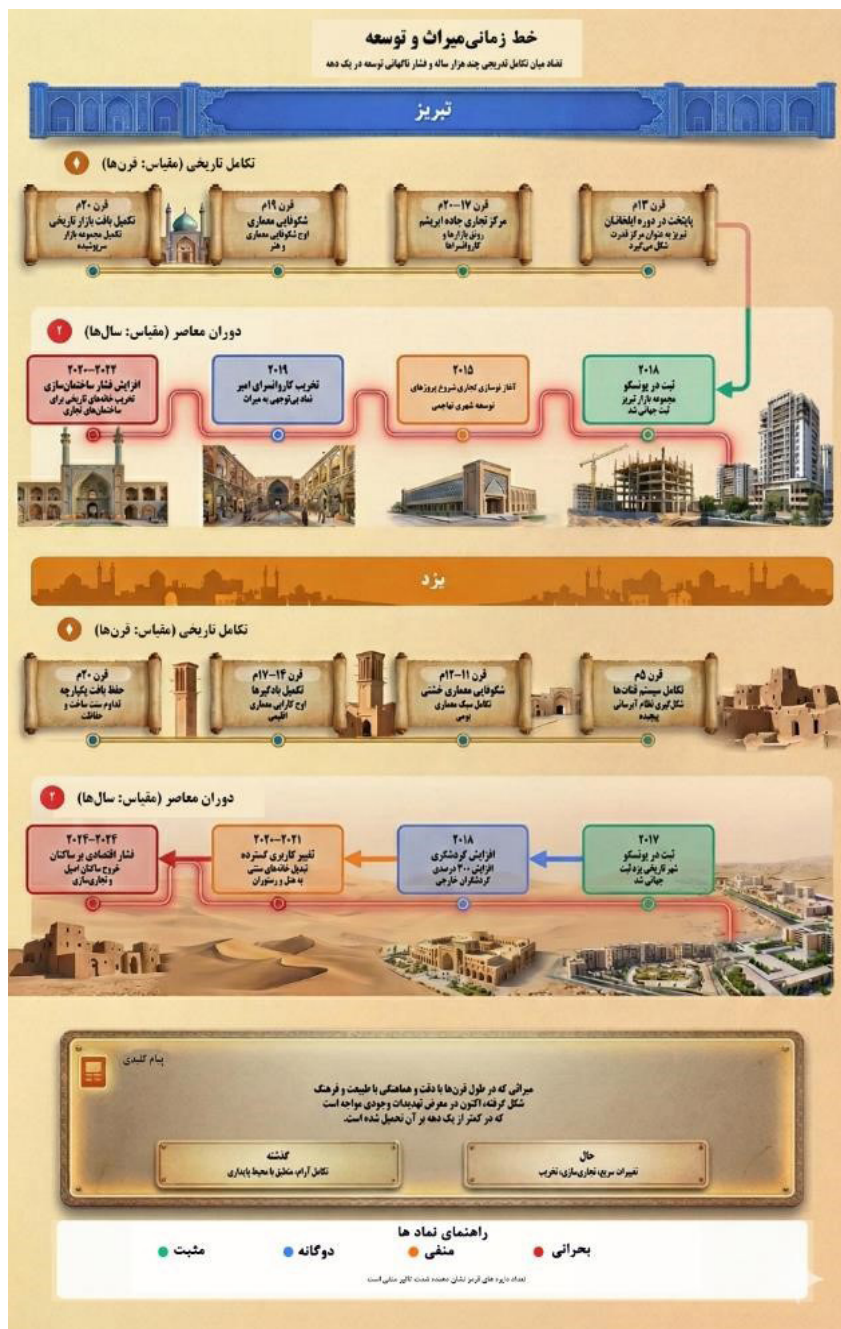
• تأثیرات توسعه بر میراث شهری: سازوکارها

توسعه از طرق مختلف بر میراث تأثیر می‌گذارد. تخریب مستقیم برای آزادسازی زمین آشکارترین شکل آن است (Stubbs, 2004) اما تأثیرات غیرمستقیم، مانند بی‌ثباتی سازه‌های ناشی از گودبرداری‌های عمیق، لرزش‌های ترفیکی و تغییر سطح آب‌های زیرزمینی بسیار مخرب‌ترند (Ferretti et al., 2019). اعیان‌نشینی^{۲۱} و جابه‌جایی کارکردی نیز معنای اجتماعی بافت را دگرگون ساخته و منجر به موزه‌های شدن شهر می‌گردد (Yung & Chan, 2015).

روش پژوهش

• طرح و رویکرد پژوهش

این پژوهش بر مبنای پارادایم پراگماتیسم و کاربست «روش‌شناسی ترکیبی»^{۲۲} طراحی شده است و به‌طور مشخص، از «طرح تبیینی متوالی»^{۲۳} بهره می‌برد (Creswell & Plano Clark, 2018). منطق فلسفی این طرح آن است که داده‌های کمی در فاز نخست گردآوری و تحلیل می‌شوند تا الگوها، گستره فیزیکی و روندهای کلان آسیب‌های کالبدی شناسایی گردند؛ در پی آن، فاز کیفی برای تبیین،



تصویر ۲. نمودار زمانی پیشنهادی: سیر تحول میراث و توسعه در تبریز و یزد (ترسیم نمودارها توسط هوش مصنوعی Gemini). مأخذ: نگارندگان.

تیمچه‌ها و راسته‌ها و در یزد ۶۷ بنای تاریخی (عمدتاً خانه‌های اعیانی و عمومی) و ۱۲ بافت محله‌ای به‌عنوان جامعه هدف تعیین شدند.

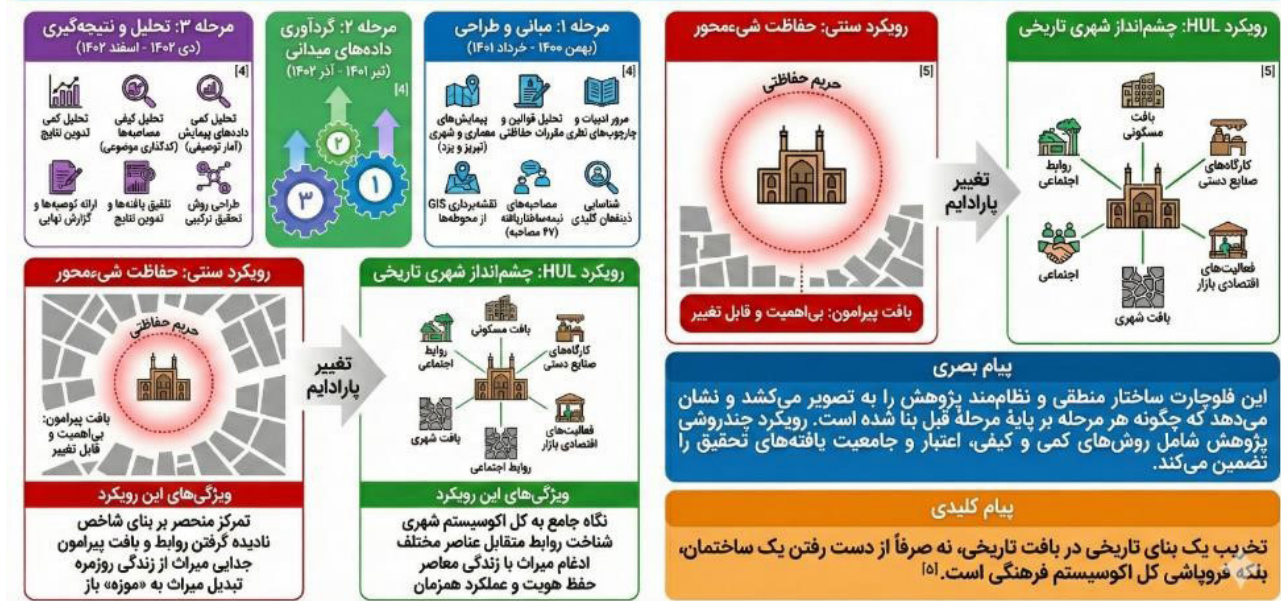
• نمونه‌گیری و روش‌های گردآوری داده‌ها

ارزیابی یکپارچگی نیازمند چهارچوب روش‌شناختی چندمقیاسی^{۲۶} مبتنی بر پارادایم HUL است. در پارادایم HUL، بافت شهری یک موجودیت انتزاعی نیست، بلکه اکوسیستمی شبکه‌ای است که تک‌بناها به‌عنوان گره‌های آن عمل می‌کنند (Bandarin & Van Oers, 2012). بر مبنای مدل چهاربُعدی

۱۹۵/۶۷ هکتار و مساحت حریم آن ۶۶۵/۹۳ هکتار تثبیت شده است (UNESCO, 2017)، محدوده عملیاتی و میدانی این پژوهش بر یک پهنه متمرکز ۳۵ هکتاری منطبق گردیده است. این پهنه ۳۵ هکتاری، کانون‌های تحت بیشترین فشار ناشی از توسعه گردشگری و تغییر کاربری را در بر می‌گیرد؛ از جمله محله شاخص فهادان و خطوط اصلی عبور سیستم هیدرولیک باستانی نظیر قنات زارچ. جامعه آماری شامل کلیه بناهای تاریخی، فضاهای شهری و عناصر معماری ارزشمند در این محدوده‌ها است. در تبریز، ۸۹ بنای شاخص شامل سراها،

فرآیند سه‌مرحله‌ای پژوهش و مقایسه دو پارادایم حفاظت از میراث

مطالعه میراث متمارک شهری در تبریز و یزد و از جزیره‌های منزوی تا اکوسیستم‌های زنده



تصویر ۳. فلوجارت پیشنهادی: فرآیند سه‌مرحله‌ای پژوهش (ترسیم نمودارها توسط هوش مصنوعی Gemini). مأخذ: نگارندگان.

۲) تحلیل اسناد و مدارک: بررسی نقشه‌های تاریخی (مانند نقشه دارالسلطنه تبریز)، عکس‌های هوایی ادوار مختلف (برای سنجش تغییرات بافت)، پرونده‌های ثبتی یونسکو و گزارش‌های مرمتی سازمان میراث فرهنگی.

۳) تحلیل فضایی (GIS): مکان‌یابی دقیق تخریب‌ها و تغییرات بر روی نقشه‌های GIS به منظور شناسایی الگوهای فضایی توزیع آسیب‌ها و همبستگی آن‌ها با پروژه‌های توسعه تجاری.

استراتژی نمونه‌گیری در این مطالعه، به منظور حفظ بالاترین سطح از انسجام معرفت‌شناختی میان یافته‌های کمی و کیفی، مبتنی بر ادغام رویکردهای «نمونه‌گیری فضایی-کالبدی» و «نمونه‌گیری آشیانه‌ای»^{۳۱} تدوین گردید (Tanner, 2023). در مرحله نخست (فاز کمی)، داده‌های کالبدی از ۷۸ بنا در تبریز و ۵۶ بنا در یزد (مجموعاً ۱۵۶ پلاک و محوطه خرد به همراه فضاهای پیرامونی) با استفاده از روش سرشماری برای بناهای شاخص و نمونه‌گیری هدفمند برای بافت‌های عام استخراج گردیدند. با این وجود، برای آنکه ارزیابی نمونه‌های انسانی در فاز کیفی (مصاحبه با ذی‌نفعان) نسبت مستقیمی با نمونه‌های کمی (کالبد فیزیکی بناها) داشته باشد و از قطعه‌قطعه شدن فرآیند تحلیل جلوگیری شود، از روش «نمونه‌گیری موارد آنحرافی یا خروج از معیار»^{۳۲} استفاده شد (Palinkas et al., 2011). بر این اساس، از میان جامعه آماری ۱۵۶ پلاک برداشت شده، زیرمجموعه‌ای شامل ۳۸ پلاک که نمایانگر شدیدترین حالت‌های تخطی از ضوابط حفاظتی، دگرگونی‌های غیرمتعارف

ارزیابی منظر شهری، «بعد تک‌بنا»^{۳۷} بنیادین‌ترین واحد تحلیل برای درک لایه‌های بافت است (Tian, 2024). از این رو، در این پژوهش از تک‌بناها و محوطه‌های خرد به مثابه «حسگرهای شهری»^{۳۸} برای پایش تغییرات کالبدی، فضایی و اجتماعی کل بافت استفاده شده است (Preprints, 2026). با توجه به این رویکرد استقرایی (از جزء به کل)، روش سرشماری برای بناهای شاخص و نمونه‌گیری هدفمند برای بلوک‌های بافتی اعمال گردید. با توجه به ماهیت میراثی محدوده‌های مذکور و لزوم مستندسازی دقیق کالبدی، روش سرشماری برای بناهای شاخص و نمونه‌گیری هدفمند برای بافت‌های عام به کار رفت. بر اساس فرآیند برداشت میدانی طراحی شده، در نهایت داده‌های کالبدی از ۷۸ بنا در تبریز (با پوشش ۸۷/۶ درصدی) و ۵۶ بنا در یزد (با پوشش ۸۳/۶ درصدی) جمع‌آوری شد. ارزیابی این ۱۵۶ محوطه خرد، نه با هدف بررسی اشیایی ایزوله، بلکه برای استخراج الگوهای هم‌جواری^{۳۹}، انسجام فضایی و تغییرات کارکردی صورت گرفت تا نشان داده شود چگونه مداخلات در مقیاس معماری، انسجام^{۳۰} کلیت بافت پیرامون را متأثر می‌سازد (El-Bastawissi et al., 2022). ابزارهای گردآوری داده عبارت بودند از:

۱) پیمایش میدانی و برداشت کالبدی: استفاده از چک‌لیست‌های ساختاریافته برای ثبت وضعیت فیزیکی بناها، نوع مداخلات (مرمت، نوسازی، تخریب)، مصالح به کاررفته (سازگار یا ناسازگار مانند بتن) و تغییرات کاربری.

داده‌های کمی با استفاده از آمار توصیفی در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

- مبانی پژوهش کیفی؛ رویکردها، ابزار مصاحبه و فرایند تحلیل مضمون

توسعه شهری در بستر بافت‌های تاریخی، پدیده‌ای تک‌بعدی و صرفاً کالبدی نیست؛ بلکه عرصه‌ای پیچیده از تقاطع منافع اقتصادی، ارزش‌های فرهنگی، هویت‌های اجتماعی و ساختارهای قدرت سیاسی است (Pendlebury, 2013). از این رو، تکیه انحصاری بر داده‌های کمی و نقشه‌های فضایی (GIS) اگرچه تصویری روشن از «میزان و پراکندگی» تخریب ارائه می‌دهد اما در تبیین چرایی، چگونگی و سازوکارهای پنهان این فرایندها ناتوان است. برای درک عمیق پدیده‌هایی نظیر «اعیان‌نشینی»^{۳۴}، «تخریب‌های سازمان‌یافته پنهان» و «فرایندهای تصمیم‌گیری‌های غیررسمی در نهادهای شهری»، اتخاذ یک رویکرد کیفی عمیق مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی^{۳۵} و سازه‌گرایی^{۳۶} ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (Yung & Chan, 2015). در این پژوهش، از طرح تحقیق ترکیبی (Mixed Methods) با رویکرد آمیخته تلفیقی بهره گرفته شده است که در آن فاز کیفی وظیفه کالبدشکافی روایت‌ها، ادراکات و انگیزه‌های کنشگران مختلف را بر عهده دارد. در ادامه، استراتژی نمونه‌گیری، معماری ابزار گردآوری داده‌ها و فرایند نظام‌مند تحلیل اطلاعات کیفی به تفصیل شرح داده می‌شود.

- جامعه آماری کیفی، استراتژی نمونه‌گیری و منطق انتخاب ذی‌نفعان

در حوزه مدیریت میراث فرهنگی، تئوری ذی‌نفعان^{۳۷} تأکید دارد که پایداری هرگونه برنامه حفاظتی در گرو شناخت، درگیرسازی

و تغییرات حاد ساختاری بودند، به‌عنوان «موارد خروج از معیار» فیلتر و گزینش شدند. این موارد حاد، پدیده‌هایی نظیر استفاده از کلاف‌کشی بتنی آشکار در سازه‌های آجری نظیر تیمچه مظفریه تبریز، یا رهاسازی عمدی و تغییر کاربری‌های رادیکال منجر به اعیان‌نشینی افراطی در محله فهادان یزد را شامل می‌شدند. ادبیات روش‌شناسی کیفی تأکید دارد که مطالعه این موارد حاشیه‌ای و افراطی در پژوهش‌های آمیخته، غنی‌ترین، متراکم‌ترین و عمیق‌ترین داده‌ها^{۳۸} را برای درک پویایی‌های پنهان سیستم فراهم می‌آورد (Patton, 2015). از این رو، جامعه آماری فاز کیفی پژوهش، مستقیماً به این پلاک‌های دارای خروج از معیار گره خورد تا استنتاج نهایی، پشتوانه تجربی قدرتمندی داشته باشد و نسبت میان پلاک فیزیکی و کنشگر اجتماعی به‌وضوح تبیین گردد. به‌منظور درک بهتر مکانیزم یکپارچه‌سازی، جدول ۲ استراتژی نمونه‌گیری آشیانه‌ای و نحوه غربالگری نمونه‌ها را نشان می‌دهد.

• چهارچوب تحلیلی

داده‌های گردآوری شده با استفاده از چهارچوب «ارزیابی تأثیرات بر میراث» (HIA) تحلیل شدند. این چهارچوب تأثیرات را در چهار بعد اصلی طبقه‌بندی می‌کند:

- ۱) تأثیرات فیزیکی: شامل تخریب سازه، تغییر فرم، حذف عناصر تزئینی و استفاده از مصالح ناهمگون.
- ۲) تأثیرات بصری و منظرین: شامل خدشه‌دار شدن خط آسمان، تغییر در دانه‌بندی بافت و اختلال در حریم بصری.
- ۳) تأثیرات کارکردی- اجتماعی: شامل تغییر کاربری نامناسب، اعیان‌نشینی، و جابه‌جایی ساکنان بومی.
- ۴) تأثیرات محیطی: شامل آسیب به زیرساخت‌های سنتی آبی (قنات‌ها) و تغییرات اکولوژیک خرد.

جدول ۲. ماتریس یکپارچه‌سازی رویکرد کمی و کیفی با استفاده از استراتژی نمونه‌گیری آشیانه‌ای و خروج از معیار. مأخذ: نگارندگان.

مرحله پژوهش	نوع نمونه‌گیری	جامعه و حجم نمونه	معیار انتخاب و ارتباط با فاز دیگر	هدف متدولوژیک
فاز اول (کمی)	هدفمند و سرشماری	۱۵۶ پلاک تاریخی (۷۸ تبریز، ۵۶ یزد)	پلاک‌های معرف بافت و قرار گرفته در کانون‌های توسعه تجاری/گردشگری	شناسایی الگوهای فضایی تخریب و اندازه‌گیری شدت زوال ساختاری
مرحله اتصال (Connecting)	غربالگری مبتنی بر خروج از معیار (ant Case)	۳۸ پلاک بحرانی استخراج‌شده از ۱۵۶ پلاک اولیه	پلاک‌هایی که بالاترین سطح تغییرات مخرب (استفاده از مصالح ناهمگون، تخریب پنهان، اعیان‌نشینی) را نشان دادند.	فیلترکردن پایگاه داده کمی برای یافتن متراکم‌ترین کانون‌های تنش جهت مطالعه کیفی
فاز دوم (کیفی)	آشیانه‌ای (Nested) و گلوله‌برفی	۴۷ مصاحبه‌شونده کلیدی	مالکان، بهره‌برداران، ناظران قانونی و همسایگان مستقیماً مرتبط با همان ۳۸ پلاک بحرانی	کشف انگیزه‌های اقتصادی-سیاسی، چرایی وقوع تخلفات و پیشگیری از استنتاج مع‌الفارق

معرفی می‌کرد که این زنجیره تا زمان دستیابی به اشباع نظری^{۴۳} ادامه یافت (Robinson, 2014). نقطه اشباع زمانی محقق گردید که در مصاحبه‌های پایانی، داده‌ها، کدها و روایت‌های جدیدی که بتواند طبقه‌بندی‌های مفهومی را تغییر دهد، استخراج نشد (Bowen, 2008). در نهایت، ۴۷ مصاحبه عمیق با چهار گروه اصلی از ذی‌نفعان در دو شهر تبریز و یزد به انجام رسید که توزیع و منطق انتخاب آن‌ها در جدول ۳ تدوین شده است.

- ابزار پژوهش: طراحی و پروتکل اجرایی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته

روش گردآوری داده‌های اولیه در این بخش، اتکا بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته^{۴۴} بود. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به‌عنوان ابزاری قدرتمند در پژوهش‌های کیفی، نقطه‌ای بهینه میان ساختاریافتگی پرسشنامه‌های کمی (که مانع از کاوش عمیق می‌شوند) و آشفتگی مصاحبه‌های کاملاً باز و بدون ساختار (که مقایسه‌پذیری داده‌ها را دشوار می‌سازند) محسوب می‌شوند (Merriam & Tisdell, 2015). در این روش، پژوهشگر یک «راهنمای مصاحبه»^{۴۵} متشکل از مضامین اصلی و سؤالات باز پاسخ در اختیار دارد اما آزادی عمل کامل دارد تا جریان گفت‌وگو را براساس واکنش‌ها، تخصص و تجربیات زیسته هر مصاحبه‌شونده هدایت کند و با طرح پرسش‌های کوشگرانه^{۴۶} به لایه‌های عمیق‌تر معنا نفوذ کند (Nowell et al., 2017). فرایند طراحی ابزار مصاحبه در این پژوهش طی یک پروتکل علمی سه‌مرحله‌ای انجام پذیرفت: ابتدا، بر مبنای مرور جامع ادبیات نظری (از جمله رویکرد چشم‌انداز شهری تاریخی (HUL) و ارزیابی تأثیرات بر میراث (HIA))، ابعاد اصلی تعارض توسعه و حفاظت شناسایی شدند. سپس، سؤالات اولیه تدوین و توسط سه نفر از متخصصان و خبرگان دانشگاهی در حوزه مرمت شهری مورد ارزیابی روایی محتوایی^{۴۷} قرار گرفتند. در نهایت، پیش‌تست^{۴۸} راهنمای مصاحبه بر روی سه نفر از ذی‌نفعان انجام شد تا روانی، وضوح و اثربخشی سؤالات در استخراج داده‌های غنی تضمین گردد. پروتکل اجرایی هر جلسه مصاحبه شامل مراحل دقیق بود: آغاز جلسه با ارائه توضیحات شفاف درباره اهداف پژوهش و اخذ رضایت آگاهانه^{۴۹}، تضمین محرمانگی مطلق هویت مصاحبه‌شوندگان (که به‌ویژه برای بیان تخلفات اداری، دورزدن قوانین و تخریب‌های غیرمجاز از سوی مالکان و واسطه‌ها امری حیاتی بود) و شروع با پرسش‌های یخ‌شکن^{۵۰} جهت ایجاد فضای اعتماد. مصاحبه‌ها به‌طور میانگین بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و در مکان‌های توافق‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان (حجره‌های بازار، ادارات دولتی، خانه‌های تاریخی یا دفاتر مهندسی) برگزار شد. با کسب اجازه از تمامی مشارکت‌کنندگان، محتوای جلسات به‌صورت صوتی ضبط شد و بلافاصله پس از اتمام هر مصاحبه، فرایند پیاده‌سازی کلمه‌به‌کلمه^{۵۱} به فایل‌های متنی صورت گرفت. جدول ۴ نمایانگر ساختار محتوایی راهنمای مصاحبه و پیوند میان اهداف پژوهش با سؤالات مطرح شده است.

و تحلیل منافع طیف وسیعی از بازیگران رسمی و غیررسمی است (Chapagain, 2008). یکی از چالش‌های بنیادین در شهرهای تاریخی ایران، وجود پدیده «جزایر اطلاعاتی»^{۳۸} و قطع ارتباط ارگانیک میان سیاست‌گذاران، متخصصان و بدنه جامعه محلی است (Elsorady, 2012). براین اساس، استراتژی نمونه‌گیری در این پژوهش با هدف پوشش دادن حداکثری این تنوع و شکستن مرزهای این جزایر اطلاعاتی طراحی گردید. طراحی استراتژی نمونه‌گیری انسانی در فاز کیفی، مستقیماً و به‌صورت ارگانیک از نتایج پایگاه داده‌های فاز کمی تغذیه کرده است تا پیوند متدولوژیک^{۳۹} و روایی سازه‌ای پژوهش به حداکثر ممکن ارتقا یابد (Onwuegbuzie & Leech, 2006). در این راستا، به‌جای اتکای صرف بر روش‌های سنتی نمونه‌گیری هدفمند، از استراتژی ترکیبی و پیشرفته «نمونه‌گیری آشیانه‌ای»^{۴۰} استفاده شد (Onwuegbuzie & Collins, 2007). نمونه‌گیری آشیانه‌ای در مطالعات آمیخته به محقق امکان می‌دهد تا زیرگروه‌های خاصی را که ویژگی‌های متمایزی در فاز اول نشان داده‌اند، استخراج کرده و به‌عنوان کانون مطالعه عمیق کیفی در فاز دوم مورد مذاقه قرار دهد. بر این مبنای، انتخاب ۴۷ ذی‌نفع کلیدی برای انجام مصاحبه‌های عمیق، نه به‌صورت تصادفی و نه مستقل از بستر کالبدی صورت گرفت؛ بلکه این افراد مشخصاً براساس وابستگی مالکیتی، مدیریتی، قضایی یا سکونت‌ی آن‌ها به پلاک‌هایی انتخاب شدند که در برداشت‌های کمی (۱۵۶ پلاک اولیه)، بارزترین الگوهای «خروج از معیار»^{۴۱} را به ثبت رسانده بودند. در حقیقت، مصاحبه‌شوندگان (شامل مالکان خانه‌های تاریخی رهاشده جهت فرسایش پنهان در یزد، سرمایه‌گذاران پاساژهای نامتجانس در حریم بازار تبریز، مدیران شهری صادرکننده مجوزهای تراکم و کسبه بومی آسیب‌دیده از این تحولات)، ابزارهای انسانی و روایی برای خوانش مکانیزم همان ناهنجاری‌های کالبدی بودند که پیش‌تر توسط GIS و ابزارهای کمی به‌صورت فضایی اندازه‌گیری شده بودند. این رهیافت متدولوژیک، خطر مهلک «استنتاج مع الفارق» را که همواره متوجه پژوهش‌های غیرمنسجم است، به‌طور کامل خنثی می‌سازد؛ زیرا روایت‌ها، انگیزه‌ها و استدلال‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، دقیقاً تفسیر شفاهی و جامعه‌شناختی همان پدیده کالبدی هستند که در فاز نخست اندازه‌گیری شده است. تکمیل این فرایند با بهره‌گیری از «نمونه‌گیری گلوله‌برفی»^{۴۲} صرفاً به‌عنوان یک تکنیک ثانویه و برای نفوذ به لایه‌های به‌شدت پنهان شبکه‌های قدرت و سرمایه‌ای که نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییرات کالبدی بافت‌ها ایفا می‌کنند (همچون واسطه‌های ملکی و پیمانکاران تجاری که اغلب در اسناد رسمی ردپای روشنی ندارند) انجام شد که مسبب اصلی این خروج از معیارها در پلاک‌های نمونه بوده‌اند اما ردپای رسمی از آن‌ها در اسناد ثبتی وجود نداشت. در این روش، هر مصاحبه‌شونده کلیدی، افراد مطلع دیگری را به پژوهشگران

جدول ۳. ماتریس دسته‌بندی، توزیع آماری و معیارهای تحلیلی انتخاب ذی‌نفعان در مصاحبه‌های کیفی. مأخذ: نگارندگان.

دسته‌بندی ذی‌نفعان کلیدی (Stakeholder Categories)	تعداد افراد مصاحبه‌شونده	توزیع جغرافیایی (تبریز / یزد)	توجیه روش‌شناختی و معیارهای انتخاب (Selection Criteria & Rationale)	محورهای کلیدی استخراج‌شده در ارتباط با تعارضات توسعه
سیاست‌گذاران، مدیران نهادی و کارگزاران دولتی	۱۲	۶ / ۶	مدیران فعلی و سابق ادارات کل میراث‌فرهنگی، شهرداری‌های مناطق تاریخی، پایگاه‌های میراث جهانی و سازمان اوقاف که نقش مستقیم در تصویب طرح‌های هادی، تفصیلی و صدور مجوزها دارند.	تحلیل موانع حکمرانی، ناهماهنگی بین‌بخشی، فشار برای درآمدزایی شهری (تراکم‌فروشی) و چالش‌های اعمال قوانین بازدارنده (Hanachi et al., 2018).
متخصصان، مشاوران مستقل و اساتید دانشگاه	۹	۴ / ۵	اعضای هیئت‌علمی در حوزه‌های مرمت، شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری، به‌همراه مهندسان مشاور و معماران فعال در پروژه‌های احیای بافت.	نقد فنی مداخلات (نظیر آسیب‌های سازه‌ای ناشی از کلاف‌کشی بتنی)، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (تهدید شبکه‌کانات‌ها) و پایش اصالت میراث (Authenticity).
بخش خصوصی، سرمایه‌گذاران و واسطه‌های ملکی	۱۱	۵ / ۶	مالکان و سازندگان مجتمع‌های تجاری جدید در حریم بازار تبریز، سرمایه‌گذاران هتل‌بوتیک‌ها در یزد و دلان املاک فعال در حوزه‌بافت‌های فرسوده و تاریخی.	واکاوی اقتصاد سیاسی توسعه، انگیزه‌های سوداگری زمین (Speculation)، مکانیسم‌های حقوقی تغییر کاربری و فرایند کالایی‌سازی فضا.
جامعه محلی، بومیان، کسبه و فعالان مدنی	۱۵	۷ / ۸	حجره‌داران قدیمی اصناف اصیل (مانند راسته فروش‌فروشان تبریز)، ساکنین بومی باقیمانده در محلات گردشگری (نظیر فهادان) و اعضای انجمن‌های غیردولتی (NGOs).	مستندسازی تجربیات زیسته از تبعات اجتماعی توسعه، پدیده‌ایمان‌نشینی (Gentrification)، زوال پیوندهای همسایگی و تخریب پنهان شبکه‌های زیستی محلی.
مجموع کل مصاحبه‌ها	۴۷	۲۲ / ۲۵	-	-

روش‌شناسی تحلیل داده‌ها: تحلیل مضمون بازتابی^{۵۲} براون و کلارک

متون پیاده‌سازی‌شده از ۴۷ مصاحبه عمیق، حجم عظیمی از داده‌های خام و بدون ساختار^{۵۳} را تشکیل می‌دادند. به‌منظور استخراج نظام‌مند الگوهای معنایی، مفاهیم پنهان و روابط علی‌ومعلولی از درون این حجم انبوه داده‌ها، از روش تحلیل مضمون^{۵۴} بهره گرفته شد. در میان رویکردهای متعدد موجود، این پژوهش مستقیماً از چهارچوب معتبر، انعطاف‌پذیر و شش‌مرحله‌ای «تحلیل مضمون بازتابی» توسعه‌یافته توسط براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) پیروی کرده است. برخلاف تحلیل محتوای کمی که صرفاً به شمارش واژگان بسنده می‌کند، تحلیل مضمون بازتابی، پژوهشگر را قادر می‌سازد تا از سطح معنایی^{۵۵} عبور کرده و به لایه‌های پنهان، ساختارهای ایدئولوژیک و مفروضات نهفته در گفتمان ذی‌نفعان^{۵۶} دست یابد (ibid.). به‌منظور مدیریت بهینه داده‌ها، پیگیری زنجیره شواهد^{۵۷}، تسهیل فرایند کدگذاری درختی و کشف ارتباطات شبکه‌ای میان مفاهیم، از نرم‌افزار تخصصی تحلیل داده‌های کیفی NVivo (نسخه ۱۲) استفاده شد.

اجرای دقیق مراحل شش‌گانه براون و کلارک (Salmons, 2023)

در این مطالعه به شرح تفصیلی زیر است:

مرحله اول (غوطه‌وری و آشنایی عمیق با داده‌ها^{۵۸}): تحلیل داده‌ها از لحظه پیاده‌سازی فایل‌های صوتی آغاز گردید. این مرحله، سنگ‌بنای پژوهش کیفی و مستلزم غوطه‌وری هستی‌شناختی محقق در جهان داده‌هاست. پژوهشگران تمامی متون مصاحبه‌ها را حداقل سه بار به‌دقت مطالعه کردند تا به یک درک کل‌نگر^{۵۹} از پدیده‌ها دست یابند. هم‌زمان، فرایند نگارش «یادداشت‌های تحلیلی و بازتابی^{۶۰}» در نرم‌افزار NVivo آغاز شد. در این یادداشت‌ها، برداشت‌های اولیه پیرامون تناقضات آشکار میان گفتمان رسمی مدیران دولتی (که همواره از قوانین سفت‌وسخت حفاظتی سخن می‌گفتند) و تجربیات عینی ساکنان محلی (که از سهولت دورزدن قوانین با پرداخت جرایم حکایت داشتند) ثبت گردید. این یادداشت‌برداری‌ها نقش مهمی در هدایت مراحل بعدی کدگذاری ایفا کرد.

مرحله دوم (تولید کدهای اولیه^{۶۱}): کدگذاری، قلب تپنده و فرایند تقطیر معنا در تحلیل کیفی است. در این مرحله،

جدول ۴. راهنمای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته؛ چهارچوب مضمونی، اهداف و نمونه پرسش‌های هدایت‌گر. مأخذ: نگارندگان.

نمونه سؤالات محوری و پرسش‌های کاوشگرانه (Core & Probing Questions)	هدف پژوهشی مرتبط (Research Objective)	ابعاد و چهارچوب مضمونی مصاحبه (Thematic Framework)
<p>- از دیدگاه شما، ارزشمندترین ویژگی این بافت تاریخی (بازار تبریز/ محله فهادان) که باید تحت هر شرایطی حفظ شود چیست؟</p> <p>- پرسش کاوشگرانه: آیا فکر می‌کنید نسل جدید سرمایه‌گذاران نیز چنین ارزشی برای این عناصر قائل هستند؟</p>	<p>سنجش نحوه فهم ذی‌نفعان از مفهوم «صالت» و تمایز ارزش‌های ملموس و ناملموس در بافت.</p>	<p>ادراکات و ارزش‌گذاری میراثی</p>
<p>- اصلی‌ترین انگیزه‌هایی که باعث می‌شود مالکان به دنبال تخریب، نوسازی یا تبدیل بناهای سنتی به فضاهای تجاری/ هتل باشند چیست؟</p> <p>- پرسش کاوشگرانه: سودآوری پروژه‌های جدید در مقایسه با حفظ کاربری سنتی چقدر تفاوت دارد؟ لطفاً با ذکر مثال توضیح دهید.</p>	<p>واکوی مکانیسم‌های اقتصادی که منجر به تغییرات کالبدی و عملکردی در بافت تاریخی می‌شوند.</p>	<p>اقتصاد سیاسی و محرک‌های توسعه تجاری/گردشگری</p>
<p>- فرایند صدور مجوزها و نظارت بر ساخت‌وساز در این محدوده توسط نهادهای متولی (شهرداری، میراث، اوقاف) را چگونه ارزیابی می‌کنید؟</p> <p>- پرسش کاوشگرانه: در مواجهه با تخلفات بارز کالبدی (نظیر استفاده از بتن یا تخریب سقف‌ها)، نهادهای ناظر چه واکنشی نشان می‌دهند و چرا قوانین بازدارنده نیستند؟</p>	<p>شناسایی چالش‌های ساختاری، تعارض منافع سازمانی و ضعف ضمانت اجرایی قوانین حفاظتی.</p>	<p>ارزیابی اثربخشی چهارچوب‌های نهادی، قانونی و حکمرانی</p>
<p>- پروژه‌های اخیر توسعه چه تأثیری بر پیوندهای اجتماعی محله، وضعیت حضور بومیان و یا مسائلی نظیر مدیریت آب (قنات‌ها) داشته است؟</p> <p>- پرسش کاوشگرانه: پدیده «تخریب پنهان» یا رهاسازی عمدی بناها چگونه صورت می‌گیرد؟ روند مهاجرت همسایگان قدیمی را چگونه توصیف می‌کنید؟</p>	<p>ردیابی اثرات مستقیم و غیرمستقیم توسعه بر یکپارچگی جامعه محلی و زیرساخت‌های زیستی.</p>	<p>پیامدهای کالبدی، اجتماعی و اکولوژیک مداخلات</p>

مرحله سوم (جست‌وجو و استخراج مضامین پایه^{۴۴}): پس از پایان کدگذاری اولیه، تمرکز تحلیل از کدهای خرد به سمت الگوهای کلان‌تر و انتزاعی‌تر معطوف گردید. در این مرحله، پژوهشگران با استفاده از ابزارهای بصری NVivo و قابلیت‌های خوشه‌بندی، کدهایی را که دارای همبستگی منطقی، علی و یا اشتراکات معنایی بودند، در قالب طبقه‌بندی‌های درختی^{۴۵} گروه‌بندی کردند تا «مضامین بالقوه^{۴۶}» شکل گیرند. برای نمونه، مجموعه‌ای از کدهای استقرایی شامل رهاسازی عمدی خانه‌های تاریخی، آب‌بستن به پی ساختمان در نیمه‌شب، برداشتن پنهنای تیرهای چوبی سقف و ایجاد ناامنی سازه‌ای برای اخذ مجوز تخریب، همگی در یک خوشه معنایی واحد ذیل مضمون بالقوه «مکانیسم‌های تخریب پنهان و سیستماتیک» دسته‌بندی شدند. در مثالی دیگر، کدهای مرتبط با محله فهادان یزد نظیر افزایش نجومی قیمت ملک، تبدیل محله به دکور برای توریست‌ها و مهاجرت همسایه‌های بومی، ذیل مضمون بالقوه «اعیان‌نشینی و زوال اجتماعی» سازمان‌دهی شدند.

مرحله چهارم (بازبینی و پالایش مضامین پایه^{۴۷}): مضامین

تمامی متون به‌صورت خط‌به‌خط موشکافی شدند و هر بخش از داده (از یک کلمه کلیدی تا یک پاراگراف کامل) که پتانسیل پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش را داشت، شناسایی و با ایجاد یک «گره» در نرم‌افزار NVivo برچسب‌گذاری شد. رویکرد کدگذاری در این پژوهش تلفیقی از رویکرد قیاسی^{۴۸} (مبتنی بر مفاهیم ادبیات پیشین نظیر توسعه کالبدی، اعیان‌نشینی و اثرات اکولوژیک) و رویکرد استقرایی^{۴۹} (استخراج کدهای نوپدید مستقیماً از بطن داده‌ها) بود. به‌عنوان مثال، گزاره مطرح‌شده توسط یکی از متخصصان مرمت در تبریز که اظهار داشت: «پیمانکاران برای سرعت بخشیدن به کار و کاهش هزینه‌ها، به‌جای استحکام‌بخشی اصولی طاق‌های آجری، از کلاف‌کشی نمایان تیر آهن و تزریق بی‌رویه بتن استفاده می‌کنند که وزن مرده بنا را به‌شدت بالا برده و رطوبت را حبس می‌کند»، تحت کدهای اولیه (استفاده از مصالح ناهمگون، مداخلات بتنی مخرب و اولویت سرعت و هزینه بر اصالت) در نرم‌افزار ثبت گردید. فرایند سیستماتیک کدگذاری منجر به تولید اولیه ۴۲۸ کد باز و توصیفی در سراسر مجموعه داده‌ها شد.

صدای ذی نفعان به عنوان اسناد دست‌اول، روایی تحلیل‌های کلان پژوهش را تضمین کند.

- استراتژی‌های اعتبارسنجی، روایی و پایایی پژوهش کیفی^{۷۶}

برای سنجش کیفیت، استحکام و قابلیت تعمیم‌پذیری منطقی در پژوهش‌های کیفی، مفاهیم پوزیتیویستی مرسوم (مانند روایی و پایایی آماری) کارایی ندارند. لذا در این مطالعه، به‌منظور دفع خطرات ناشی از سوگیری محقق و تضمین دقت علمی، از چهارچوب جامع ارزیابی و معیارهای چهارگانه گوبا و لینکلن^{۷۷} استفاده گردید (Nowell et al., 2017). اقدامات انجام‌شده برای تحقق هر یک از این معیارها به شرح زیر است:

اعتبارپذیری^{۷۸} - معادل روایی درونی: به‌منظور اطمینان از هم‌خوانی کامل تفاسیر پژوهشگران با تجربیات زیسته مشارکت‌کنندگان، از تکنیک «بازبینی توسط اعضا^{۷۹}» استفاده شد. خلاصه‌ای از تم‌های استخراج‌شده در اختیار ۱۲ نفر از مشارکت‌کنندگان (شامل کارشناسان، مالکان و بومیان) قرار گرفت تا میزان انطباق تحلیل‌ها با نظرات آن‌ها تأیید گردد. همچنین، تکنیک «تثلیث داده‌ها^{۸۰}» از طریق تطابق نتایج مصاحبه‌ها با شواهد عینی پیمایش میدانی، نقشه‌های فضایی GIS و اسناد فرادستی صورت پذیرفت تا ضریب اطمینان یافته‌ها به حداکثر برسد.

انتقال‌پذیری^{۸۱} - معادل روایی بیرونی: اگرچه پژوهش کیفی به‌دنبال تعمیم آماری نیست اما با ارائه «توصیفات غنی و ضخیم^{۸۲}» از بستر پژوهش، جغرافیای انسانی بافت‌های تبریز و یزد، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ها و تبیین دقیق بافتار نهادی، بستری فراهم گردید تا سایر محققان بتوانند میزان کاربست و انتقال این الگوها را در سایر شهرهای تاریخی خاورمیانه ارزیابی کنند.

اتکاپذیری^{۸۳} - معادل پایایی: برای جلوگیری از انحرافات فردی در مسیر استخراج الگوها، تکنیک «بازبینی همکار^{۸۴}» به اجرا درآمد. دو نفر از پژوهشگران مستقل که در فرایند مصاحبه‌ها حضور نداشتند، فرایند کدگذاری‌ها و درخت‌واره‌های ایجادشده در نرم‌افزار NVivo را مورد ممیزی^{۸۵} قرار دادند. میزان توافق میان کدگذار^{۸۶} در تحلیل نمونه‌های تصادفی، ضریب اطمینان بالای ۸۷ درصد را نشان داد که حاکی از پایداری چهارچوب تحلیلی است.

تأییدپذیری^{۸۷} - معادل عینیت: پژوهشگران در طول تمامی مراحل مطالعه، با استفاده از قابلیت ثبت یادداشت‌های بازتابی^{۸۸} در نرم‌افزار، پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌های ذهنی خود را کنترل و مستند کردند. زنجیره شواهد^{۸۹} ایجادشده در پایگاه داده نرم‌افزار، امکان ردیابی شفاف هر نتیجه‌گیری کلان به کدهای اولیه و در نهایت به متن خام مصاحبه‌ها را با دقت علمی بالا فراهم ساخته است.

استخراج‌شده اولیه نیازمند ارزیابی نقادانه بودند تا اطمینان حاصل شود که به‌درستی ماهیت داده‌ها را نمایندگی می‌کنند و دچار همپوشانی یا سوگیری نیستند. این بازبینی در دو سطح انجام پذیرفت: در سطح اول، نقل‌قول‌های اختصاص یافته به هر مضمون^{۶۸} مجدداً در نرم‌افزار بازخوانی شد تا انسجام درونی^{۶۹} آن‌ها تأیید گردد. در سطح دوم، اعتبار مضامین در نسبت با کل مجموعه داده‌ها^{۷۰} و پرسش‌های اصلی پژوهش سنجیده شد. در طی این فرایند پالایش، برخی مضامین ضعیف حذف شدند و برخی دیگر ادغام گردیدند. به‌عنوان نمونه، مضامین پایه «تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر»، «تعارض قوانین شهرداری و میراث» و «ناچیزبودن جریمه‌های کمیسیون ماده ۱۰۰»، به‌دلیل پیوستگی ساختاری، در یک مضمون سازمان‌دهنده و کلان با عنوان «شکاف عمیق نهادی و ناکارآمدی حکمرانی شهری» در هم آمیخته شدند.

مرحله پنجم (تعریف نقشه مفهومی و نام‌گذاری مضامین^{۷۱}): در این مرحله، هسته مرکزی و ماهیت دقیق هر مضمون به‌صورت تئوریک تبیین شده و نامی آکادمیک، رسا و جامع برای آن انتخاب گردید. براون و کلارک تأکید دارند که نام مضمون باید به‌سرعت روایت تحلیلی نهفته در خود را به خواننده منتقل کند. براساس تقطیر نهایی داده‌ها، در این پژوهش سه «مضمون سازمان‌دهنده کلان^{۷۲}» استخراج و تثبیت گردید که چهارچوب تحلیلی بخش یافته‌های پژوهش را شکل می‌دهند:

(۱) اقتصاد سیاسی توسعه و کالایی‌شدن میراث^{۷۳}: بازتاب‌دهنده غلبه ارزش مبادلاتی (سوداگری زمین و فشارهای تجاری در بازار تبریز و هتل‌سازی افراطی در یزد) بر ارزش‌های فرهنگی و مصرفی فضا.

(۲) ضعف ساختاری در نظام حکمرانی و مدیریت شهری: تشریح‌کننده تشتت نهادی، شکاف میان قانون و اجرا و ناکارآمدی ساختارهای نظارتی در مهار تخلفات توسعه‌ای.

(۳) تخریب شبکه‌های زیستی و جابه‌جایی اجتماعی^{۷۴}: تبیین‌کننده سازوکارهای پنهان تخریب، فرایند اعیان‌نشینی، موزه-شهرشدن بافت‌ها و زوال پیوندهای اجتماعی اصیل بومیان.

مرحله ششم (تدوین گزارش تحلیلی نهایی^{۷۵}): گام آخر در رویکرد براون و کلارک، فراتر از یک توصیف ساده، شامل بافتن یک روایت تحلیلی، استدلالی و مستند از درون داده‌هاست. در نگارش بخش «یافته‌ها و بحث» این پژوهش، پژوهشگران با گزینش هوشمندانه و ارائه گویاترین نقل‌قول‌های مستقیم مصاحبه‌شوندگان (به‌عنوان شواهد تجربی زنده)، ارتباط علی‌ومعلولی میان مضامین استخراج‌شده را با ادبیات نظری جهانی (مانند دیدگاه‌های پندلبری پیرامون تنش ارزش‌ها و چهارچوب HUL) مفصل‌بندی کردند. این امر موجب شد تا

یافته‌ها

• **تبریز: مدرنیزاسیون تجاری و تهدید اصالت کالبدی**
یافته‌های پژوهش در تبریز نشان‌دهنده حجم بالایی از مداخلات کالبدی با انگیزه‌های تجاری است. نتایج پیمایش نظام‌مند، تخریب و دگرگونی گسترده میراث را در هر دو شهر مورد مطالعه نشان می‌دهد. در تبریز، ۲۷ بنا از ۷۸ بنای میراثی بررسی شده (۳۴/۶ درصد) سطوح عمده یا بحرانی از دگرگونی یا تخریب جزئی را نشان دادند که به فعالیت‌های بازآفرینی تجاری نسبت داده می‌شود. ۲۳ بنای دیگر (۲۹/۵ درصد) دگرگونی‌های متوسطی را نشان دادند، در حالی که تنها ۲۸ بنا (۳۵/۹ درصد) سطوح بالایی از یکپارچگی را حفظ کرده بودند. در یزد، نتایج پیمایش نشان داد ۱۶ بنا از ۵۶ بنای بررسی شده (۲۸/۶ درصد) تأثیرات عمده یا بحرانی را تجربه کرده‌اند، ۲۱ بنا (۳۷/۵ درصد) دگرگونی‌های متوسط داشته‌اند و ۱۹ بنا (۳۳/۹ درصد) یکپارچگی بالایی را حفظ کرده‌اند. **جدول ۵** توزیع تأثیرات بر میراث را در هر دو شهر خلاصه می‌کند (تصویر ۴).

- مداخلات در کاروان‌سرای امیر

کاروان‌سرای امیر، به‌عنوان یکی از بزرگترین و شاخص‌ترین عناصر بازار تبریز، در سال‌های اخیر شاهد مداخلات

جدول ۵. توزیع شدت تأثیرات بر میراث در بناهای مورد مطالعه تبریز و یزد. مأخذ: نگارندگان.

سطح تأثیر	تبریز (تعداد ۷۸)	درصد (تبریز)	یزد (تعداد ۵۶)	درصد (یزد)
بحرانی	۱۲	۱۵/۴ درصد	۶	۱۰/۷ درصد
عمده	۱۵	۱۹/۲ درصد	۱۰	۱۷/۹ درصد
متوسط	۲۳	۲۹/۵ درصد	۲۱	۳۷/۵ درصد
جزئی	۱۸	۲۳/۱ درصد	۱۱	۱۹/۶ درصد
ناچیز	۱۰	۱۲/۸ درصد	۸	۱۴/۳ درصد

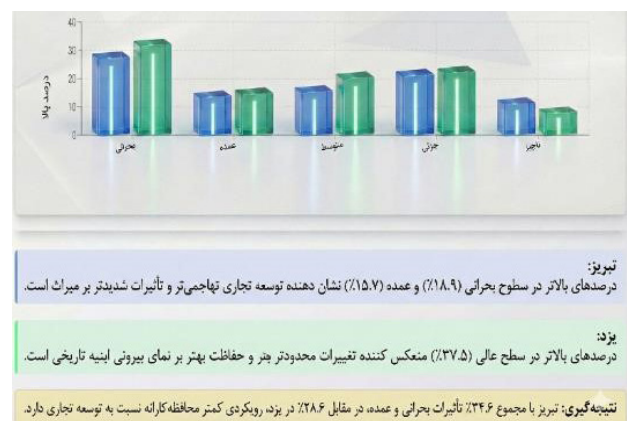
بحث‌برانگیزی تحت‌عنوان «کف‌سازی» و «سامان‌دهی» بوده است. بررسی‌های میدانی و گزارش‌های موجود نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۸ و پس از آن، عملیات سنگ‌فرش در ورودی‌ها و صحن این کاروان‌سرا اجرا شده است. اگرچه هدف اعلام‌شده حذف آسفالت فرسوده و بازگرداندن سنگ‌فرش سنتی بود اما استفاده از بسترهای بتنی ضخیم و غیرقابل نفوذ در زیر سنگ‌فرش‌ها، نگرانی‌های جدی را از منظر فنی ایجاد کرده است. استفاده از بتن در بناهای تاریخی آجری که نیازمند «تنفس» و دفع رطوبت صعودی هستند، می‌تواند منجر به حبس رطوبت در پی‌ها و پوسیدگی تدریجی سازه شود. علاوه بر این، تغییر ماهیت فضایی این کاروان‌سرا و تلاش برای تبدیل حجره‌های آن به واحدهای تجاری مدرن (پاساژگونه) با ویتترین‌های شیشه‌ای و تابلوهای نامتناسب، اصالت بصری و تاریخی آن را مخدوش کرده است. باید توجه داشت که کاروان‌سرای امیر یک عنصر مجزا نیست، بلکه کانون ساختاری^{۹۰} پیوسته‌ای در مورفولوژی بازار تبریز است. از منظر یکپارچگی بافت شهری، استفاده از بتن غیرقابل نفوذ در این تک‌بنا، با مسدودسازی جریان مویرگی رطوبت و تغییر در میکروکلیمای^{۹۱} منطقه، فرایند پوسیدگی را به پی‌ها و دیوارهای خشتی و آجری رسته‌های هم‌جوار منتقل می‌سازد. علاوه بر این، تبدیل حجره‌ها به پاساژهای مدرن شیشه‌ای، خوانایی^{۹۲} و تسلسل بصری- کالبدی بافت بازار را دچار گسست کرده و ارزش مبادلاتی را بر پیوستگی فضایی کل مجموعه تحمیل کرده است (Gharehbaglou et al., 2016). در این حالت، زوال اصالت در یک تک‌بنا، مستقیماً به زوال همگنی در کل بافت شهری می‌انجامد (تصویر ۵).

- چالش‌های تیمچه مظفریه

تیمچه مظفریه که قلب تجارت فرش نفیس ایران محسوب می‌شود، با وجود اهمیت فوق‌العاده، از آسیب‌های ناشی از مرمت‌های غیراصولی در امان نمانده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در برخی ادوار مرمتی، برای استحکام‌بخشی سازه در برابر زلزله،



تصویر ۵. مداخلات در کاروان‌سرای امیر تبریز (تصویر زمینه واقعی نیست و برای یک تحلیل گرافیکی استفاده شده است). مأخذ: نگارندگان.



تبریز: درصدهای بالاتر در سطوح بحرانی (۱۸٫۹٪) و عمده (۱۵٫۷٪) نشان‌دهنده توسعه تجاری تهاجمی‌تر و تأثیرات شدیدتر بر میراث است.

یزد: درصدهای بالاتر در سطح عالی (۳۷٫۵٪) منعکس‌کننده تغییرات محدودتر بنا و حفاظت بهتر بر نمای بیرونی اینسازه تاریخی است.

نتیجه‌گیری: تبریز با مجموع ۲۴٫۶٪ تأثیرات بحرانی و عمده، در مقابل ۲۸٫۶٪ در یزد، رویکردی کمتر محافظه‌کارانه نسبت به توسعه تجاری دارد.

تصویر ۴. نمودار میله‌ای مقایسه‌ای پیشنهادی: شدت تأثیر بر میراث در تبریز و یزد (ترسیم نمودارها توسط هوش مصنوعی Gemini). مأخذ: نگارندگان.

• **یزد: گردشگری شتابزده و دگرگونی ماهیت بافت**
در یزد، الگوی تخریب و تغییر متفاوت است. حدود ۲۸/۶ درصد از بناهای مطالعه شده دچار تغییرات آسیب‌زاشده‌اند که عمدتاً ناشی از فشار برای ایجاد فضاهای اقامتی (هتل‌سازی) و خدمات گردشگری است.

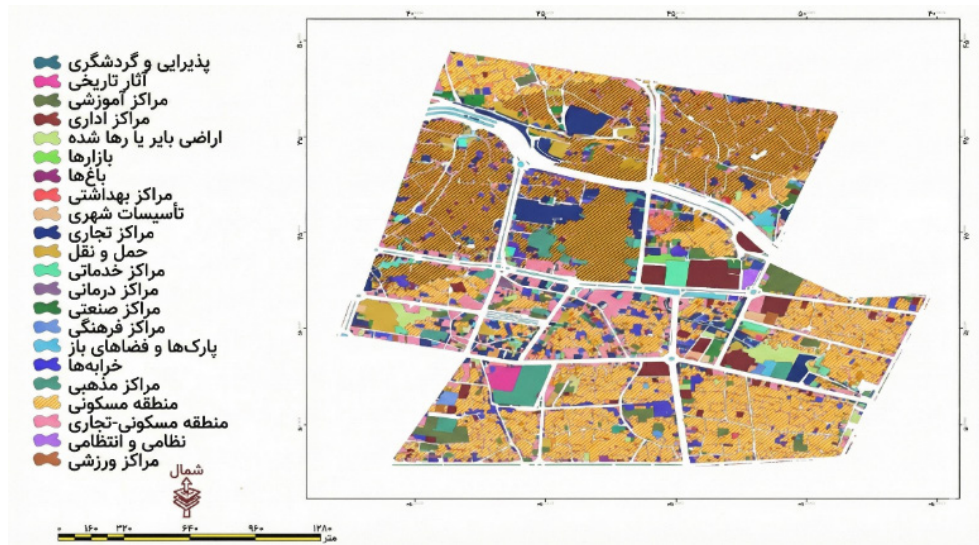
- **جنتریفیکیشن و هتل‌سازی در محله فهادان**
محله فهادان به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین و ساختارمندترین بخش‌های بافت تاریخی یزد، کانون اصلی تغییرات کاربری در دهه‌های اخیر بوده است. گزارش‌های نهادهای متولی نشان می‌دهد در بازه زمانی پیش و پس از ثبت جهانی یزد، این شهر شاهد یک جهش چشمگیر و رشد تقریباً ۵۰۰ درصدی (افزایش پنج برابری) در نرخ ورود گردشگران خارجی بوده است، به‌طوری که آمار بازدیدکنندگان از حدود ۱۲ هزار نفر در اوایل دهه نود شمسی به بیش از ۱۲۶ هزار نفر در سال‌های منتهی به ۲۰۱۸ میلادی بالغ گردید (Kouchakzadeh, 2018; Nassiri, 2015). این تقاضای فزاینده بازار، به‌عنوان یک کاتالیزور قدرتمند اقتصادی برای تسریع فرایند اعیان‌نشینی در محلات تاریخی عمل کرده است. تحت تأثیر این نیروی محرکه، بسیاری از خانه‌های ارزشمند محله فهادان باهدف پاسخ‌گویی به تقاضای گردشگری تغییر کاربری داده‌اند؛ به‌عنوان نمونه بارز می‌توان به خانه تاریخی تهرانی‌ها اشاره کرد که به هتل موزه تغییر عملکرد داده است. اگرچه در ظاهر این تغییر کاربری‌ها با تزریق سرمایه مانع از فروپاشی فیزیکی بنا شده و کالبد خستگی را حفظ کرده‌اند اما فرایند کالایی شدن فضا تبعات اجتماعی سنگینی به همراه داشته است. افزایش قیمت املاک و تبدیل محله به یک «منطقه توریستی خالص»، باعث مهاجرت ساکنان بومی و قدیمی شده است. این امر بافت را از یک «محیط زیست اجتماعی زنده» به یک «دکور شهری» یا «شهرموزه» تقلیل داده است که تنها در ساعات حضور گردشگران زنده است. مصاحبه‌ها با ساکنان باقی‌مانده حاکی از نارضایتی آن‌ها از شلوغی، ترافیک، و تغییر هویت محله است. روند هتل‌سازی در محله فهادان، روشن‌ترین مثال از تقابل میان «حفاظت تک‌بنا محور» و «حفاظت مبتنی بر بافت شهری» است. در حالی که سرمایه‌گذاران ادعای کنند با مرمت و تغییر کاربری خانه‌هایی نظیر خانه تهرانی‌ها و لاری‌ها، کالبد فیزیکی بناها را از تخریب نجات داده‌اند اما تحلیل‌ها مبتنی بر رویکرد HUL نشان‌دهنده وقوع یک فاجعه در مقیاس بافت است. کالایی شدن^{۹۳} تک‌خانه‌ها و تبدیل بلوک‌های مسکونی به انحصار گردشگران، مکانیسم انباشت لایه‌های اجتماعی بافت را پاره کرده است (Rey-Perez & Sigüencia Ávila, 2017). خروج ساکنان بومی به معنای از دست رفتن ساختار ناملموس، روابط همسایگی و در نهایت تقلیل یافتن یک «بافت زنده شهری» به مجموعه‌ای از دکورهای موزه‌ای جدا از هم است. بنابراین، پایش این تک‌بناها در یزد، ابزاری استقرایی برای اثبات فروپاشی تاب‌آوری و یکپارچگی کل منظر شهری تاریخی بوده است (تصویر ۱۱).

از کلاف‌های بتنی و تیرهای آهنی به شیوه‌ای نمایان و ناسازگار با معماری آجری و طاق‌ضربی بنا استفاده شده است. همچنین، الحاقات مدرن در فضای داخلی حجره‌ها، نصب سیستم‌های سرمایشی و گرمایشی بدون داکت‌کشی اصولی و تغییرات در جداره‌های رو به راه‌روها، یکپارچگی این اثر را تهدید می‌کند. مطالعات لرزه‌ای نیز آسیب‌پذیری بالای طاق‌های این تیمچه و تأثیر منفی بار مرده ناشی از مداخلات بتنی را تأیید می‌کنند. آتش‌سوزی‌های مکرر در بازار تبریز (مانند آتش‌سوزی سرای ایکی‌قاپیلی) نیز هشدار جدی برای تیمچه مظفریه است که انباشت مواد قابل اشتعال (فرش) و سیستم سیم‌کشی فرسوده، ریسک آن را دوچندان کرده است. تحلیل پیامدهای این مداخلات نشان می‌دهد خطاهای مهندسی در مقیاس تک‌بنا، ریسک سیستماتیک کل بافت را افزایش می‌دهد. اجرای نمایان کلاف‌های بتنی و تیرهای فلزی در تیمچه مظفریه، رفتار یکپارچه سازه‌های خرابی و گنبدی بازار را در برابر تنش‌های لرزه‌ای دوگانه می‌کند. این عدم تجانس سازه‌ای میان یک جزء (تیمچه) و کل سیستم پیرامون (بافت بازار)، پیوستگی ساختاری این میراث شهری را به شدت شکننده می‌سازد. ارزیابی این تیمچه اثبات می‌کند در رویکرد منظر شهری، تخریب فیزیکی بافت همواره از تغییرات نامتجانس در اجزای معماری آغاز می‌گردد (تصویر ۶).

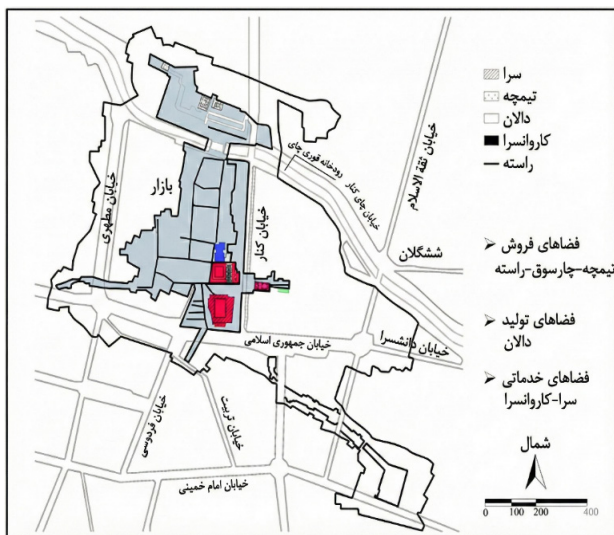
- **تخریب بافت پیرامونی برای مجتمع‌های تجاری**
یکی از مخرب‌ترین روندها در تبریز، تخریب بافت‌های مسکونی و خدمات تاریخی پیرامون بازار برای ساخت مجتمع‌های تجاری مدرن و پارکینگ‌های طبقاتی است. نمونه بارز آن تخریب محدوده «باغمیشه» و «گذر پاساژ» است که باهدف تعریض معابر و ایجاد راسته‌های تجاری جدید صورت گرفته است. این اقدامات، ارتباط ارگانیک بازار با بافت شهری اطراف را قطع کرده و بازار را به یک جزیره ایزوله تبدیل می‌کند که صرفاً کارکرد توریستی - تجاری دارد و از بستر اجتماعی خود جدا شده است (تصویر ۷، ۸، ۹ و ۱۰).



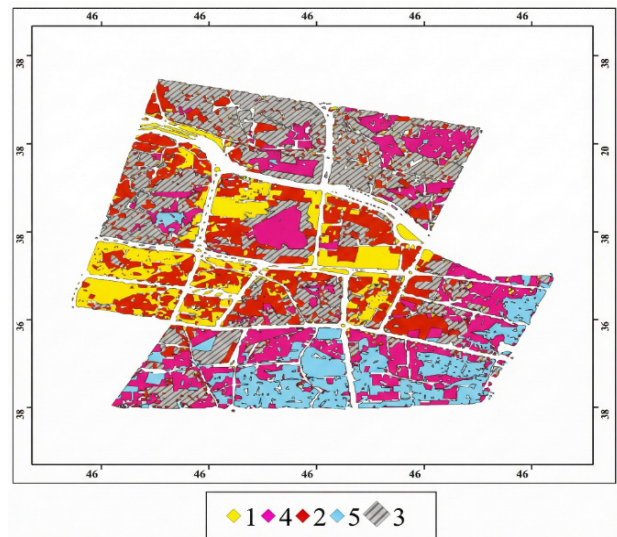
تصویر ۶. چالش‌های تیمچه مظفریه (ترسیم نمودارها توسط هوش مصنوعی Gemini). مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. تقسیم عناصر فضایی در محدوده بازار تبریز و اطراف آن. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۹. توزیع عناصر بصری در اطراف بازار تبریز. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۸. توزیع تأثیرات بر میراث در مجموعه بازار تاریخی تبریز. مأخذ: نگارندگان.

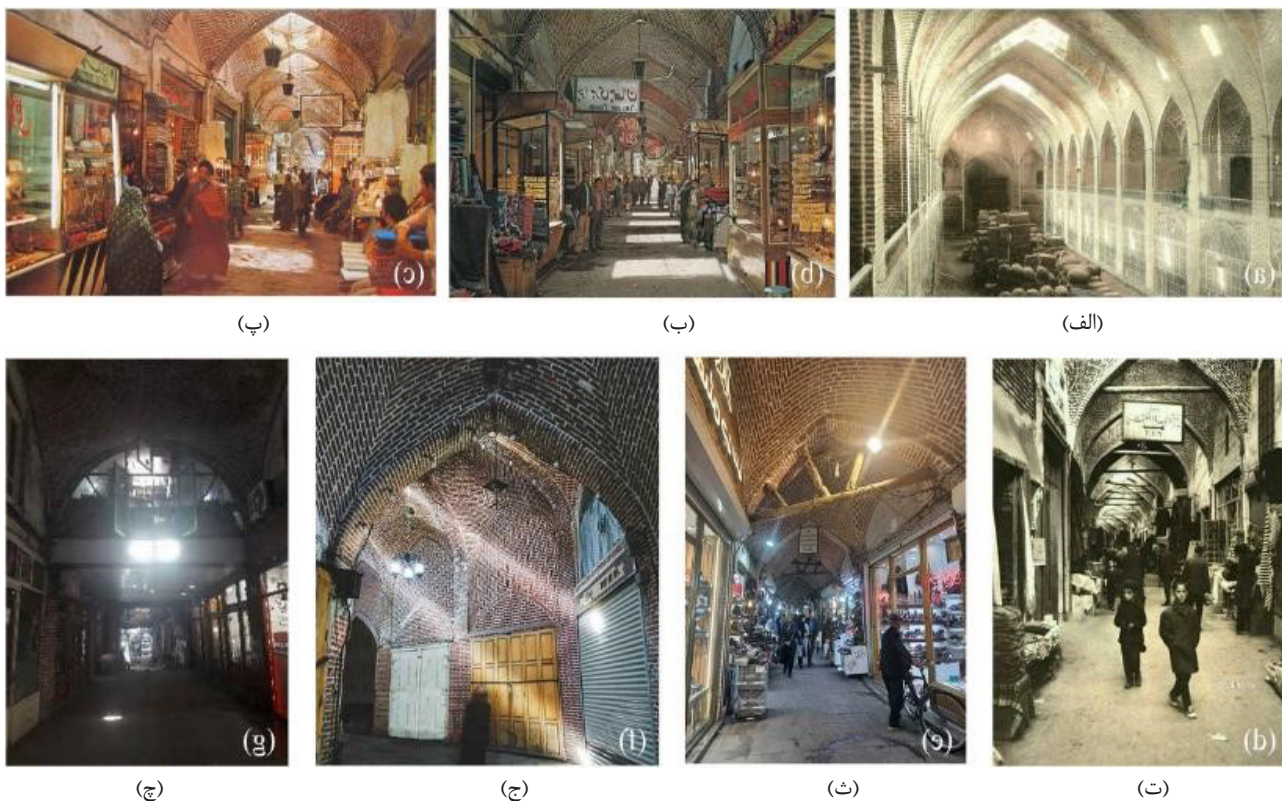
معماری و ادعای ترک خوردگی سقف، قصد تخریب و تبدیل آن به هتل یا تالار پذیرایی را داشت که با هوشیاری فعالان میراث فرهنگی تا حدی متوقف شد.

- تهدید قنات‌ها و بحران سیلاب

ساخت‌وسازهای بی‌رویه در حریم و حتی بر روی مسیر قنات‌های حیاتی یزد (مانند قنات زارچ و فیروزآباد)، پیامدهای فاجعه‌باری داشته است. این ساخت‌وسازها اغلب منجر به مسدود شدن میله‌های چاه قنات و قطع مسیر جریان آب زیرزمینی می‌شود. در سیلاب‌های ویرانگر ناشی از سامانه‌های بارشی موسمی در تابستان سال ۱۴۰۱ (اگوست ۲۰۲۲)، همین انسداد مسیر قنات‌ها که در طول قرون متمادی نقش زهکش طبیعی و

- سازوکار «تخریب پنهان»

یکی از یافته‌های تکان‌دهنده این پژوهش در یزد، شناسایی سازوکار تخریب پنهان یا تخریب از درون است. مالکان برخی خانه‌های تاریخی که اجازه تخریب قانونی ندارند، به دور از چشم یگان حفاظت میراث فرهنگی، اقدام به تخریب سقف‌ها و دیوارهای داخلی می‌کنند یا با رهاکردن عمدی بنا و حتی هدایت آب به پی‌ها (آب‌بستن)، باعث فرسودگی سریع و ریزش آن می‌شوند. پس از تخریب داخلی و ناپدید شدن بنا، مالکان با استناد به «خطر ریزش» و «عدم امکان مرمت»، مجوز نوسازی یا تغییرات اساسی را دریافت می‌کنند. نمونه شاخص این پدیده، «خانه ابریشمی» است که مالک با حذف تدریجی عناصر



تصویر ۱۰. عناصر کالبدی بازار بزرگ تبریز در طول تاریخ. الف) نورگیرها و نورپردازی سقف در بازار تبریز در دوران پهلوی؛ ب) سقفها و کفهای سرپوشیده در بازار در دوران پهلوی؛ پ) ویتترین‌های دیواری داخلی و ویتترین‌های داخلی و نوع ویتترین‌ها در دوره قاجار؛ ث) ویتترین‌ها در راسته باشماخچیلار؛ ج) انواع کرکره‌ها و انواع قدیمی و جدید آن‌ها؛ چ) بالاخانه (طبقه بالا) و ورودی با عملکردهای متنوع در راسته باشماخچیلار. مأخذ: <https://t.me/qocatabriz>

تاریخی یزد و ارزیابان ارشد وزارت میراث‌فرهنگی در جریان پایش خسارات پس از بحران، مشخص گردید در میان مجموعه عظیم ۲۳ هزار پلاک ثبتی موجود در پهنه تاریخی یزد، حدود ۲۰۰ بنای ارزشمند دچار تخریب جدی (آسیب ساختاری بین یک تا ۵۰ درصد) و حدود ۴۰۰ بنا متحمل آسیب‌های جزئی گردیدند (Oloumi, 2022; Talebian, 2022). این آمار متقن نشان می‌دهد ناکارآمدی سیستم دفع آب‌های سطحی که ارتباط تنگاتنگی با کورشدن دهلیزهای قنات به دلیل مداخلات توسعه‌ای مدرن دارد، توانسته است در یک بازه زمانی کوتاه به حدود یک درصد از کل بناهای بافت تاریخی خسارات چشمگیر وارد سازد. همچنین نفوذ فاضلاب خانه‌ها و هتل‌های جدید به دهلیزهای قنات، باعث سستی خاک و نشست‌های ناگهانی زمین در بافت تاریخی شده است که تهدیدی خاموش اما مهلک برای پایداری کل بافت محسوب می‌شود (تصویر ۱۲).

بحث

تحلیل تطبیقی یافته‌ها در تبریز و یزد نشان می‌دهد اگرچه نمودهای تخریب متفاوت است اما محرک‌های بنیادین یکسانی در هر دو شهر فعال هستند.

تنظیم‌گر اکولوژیک شهر را ایفا می‌کردند، باعث پس‌زدگی شدید آب، بالآمدن سطح آب در معابر بافت تاریخی و نفوذ عمیق رطوبت به پی‌های خشتی بناها گردید. براساس گزارش‌های ارزیابی رسمی منتشر شده توسط پایگاه میراث جهانی شهر



تصویر ۱۱. جنتریفیکیشن و هتل‌سازی در محله فهادان (ترسیم نمودارها توسط هوش مصنوعی (Gemini)). مأخذ: نگارندگان.

در تیمچه‌ها برای ایجاد جذابیت تجاری مدرن، یا آب‌بستن پنهانی به پی خانه‌های تاریخی در نیمه‌شب برای اخذ مجوز عدم ایستایی)، رفتارهایی کاملاً عامدانه، به لحاظ اقتصادی منطقی (از منظر سوداگرانه) و سازمان‌یافته برای آزادسازی ارزش مبادلاتی زمین‌های مستعد گردشگری و تجاری هستند. از طریق فرایند استقرا، پژوهشگر از این مشاهدات خرد و متمرکز بر موارد انحرافی، توانست الگویی جهان‌شمول‌تر را برای بافت‌های تاریخی در حال گذار استخراج کند. به بیان دیگر، پیوند منطقی ایجادشده میان آمار کالبدی (نقشه‌های GIS تخریب) و روایت‌های انسانی (کدگذاری‌های مصاحبه‌ها)، فرضیه پژوهش را از یک ادعای انتقادی انتزاعی، به یک نظریه اثبات‌شده و مستند به شواهد عینی و میدانی ارتقا داد. این استنتاج استقرایی با موفقیت نشان داد پدیده‌هایی نظیر تخریب پنهان، اعیان‌نشینی گردشگری‌مبنا و موزه‌ای‌شدن، بازتاب‌های مستقیم و بلافاصله استیلای منطق سرمایه بر الزامات حفاظت از میراث هستند...

• اقتصاد سیاسی توسعه و کالایی‌شدن میراث

مهم‌ترین محرک تخریب در هر دو شهر، غلبه ارزش مبادلاتی فضا بر ارزش مصرفی و فرهنگی آن است. در تبریز، زمین‌های تجاری بازار ارزش نجومی دارند و هر مترمربع آن سرمایه‌ای عظیم محسوب می‌شود. این فشار اقتصادی، مالکان و حتی شهرداری را ترغیب می‌کند تا با نادیده گرفتن ضوابط ارتفای و تراکم، به دنبال حداکثرسازی زیربنای تجاری باشند. در یزد، این فشار اقتصادی از طریق صنعت گردشگری اعمال می‌شود. تبدیل خانه‌ها به هتل بوتیک، اگرچه در ظاهر حافظ کالبد است اما نوعی کالایی‌شدن میراث است که در آن، اصالت و روح زندگی قربانی سودآوری می‌شود. این روند با نظریات پندلبری (Pendlebury, 2013) که به تنش میان ارزش‌های حفاظتی و ارزش‌های بازار املاک اشاره دارد، هم‌سو است.

• ضعف ساختاری در نظام مدیریت شهری

یافته‌ها نشانگر یک «شکاف نهادی» عمیق در مدیریت شهرهای تاریخی ایران است.

(۱) **چندپارگی مدیریت:** در هر دو شهر، تولی‌گری بافت تاریخی میان شهرداری، سازمان میراث‌فرهنگی، اداره اوقاف و سایر نهادها تقسیم شده است. این عدم هماهنگی باعث می‌شود که مثلاً شهرداری مجوز آسفالت‌ریزی یا کف‌سازی با بتن را صادر کند، درحالی‌که این اقدام از نظر اصول مرمتی سازمان میراث‌فرهنگی مردود است.

(۲) **ظرفیت نظارتی پایین:** سازمان میراث‌فرهنگی فاقد نیروی انسانی و منابع کافی برای نظارت بر تک‌تک پلاک‌های موجود در بافت‌های چندهزار هکتاری است. این خلأ نظارتی، فرصت را برای تخریب‌های پنهان و تغییرات داخلی غیرمجاز فراهم می‌کند (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۲. دیگرام پیشنهادی: مدل نظام‌مند سازوکارهای تخریب میراث (ترسیم نمودارها توسط هوش مصنوعی (Gemini). مأخذ: نگارندگان.

• تبیین استقرایی یافته‌ها و تأیید فرضیه پژوهش

تبیین استقرایی یافته‌ها و تأیید فرضیه پژوهش تلفیق نظام‌مند و مرحله‌به‌مرحله یافته‌های کمی و کیفی در این پژوهش، بستری ایده‌آل برای بهره‌گیری از «استدلال استقرایی» جهت آزمون و تأیید تجربی فرضیه فراهم آورده است (Creswell & Plano Clark, 2018). فرضیه بنیادین این پژوهش که در طول مطالعه واکاوی شد، بر این گزاره استوار بود که: «تغییرات کالبدی و کارکردی مخرب در مقیاس خرد (تک‌بناها)، رویدادهایی تصادفی یا صرفاً ناشی از فرسایش کالبدی و خطاهای مهندسی نیستند؛ بلکه خروجی سیستماتیک و گریزناپذیر غلبه اقتصاد سیاسی فضا، رویکردهای نولیبرال مدیریت شهری و کالایی‌سازی میراث در مقیاس کلان هستند که مستقیماً انسجام و یکپارچگی منظر شهری تاریخی را متلاشی می‌سازند». آزمون این فرضیه نیازمند اثبات مکانیزم‌های علی بود. در گام نخست، بررسی کمی ۱۵۶ پلاک به‌عنوان حسگرهای شهری، گستردگی فیزیکی این زوال را در مقیاس وسیع (وجود آسیب‌های حاد و دگرگونی ساختاری در حدود ۳۴/۶ درصد از پلاک‌های تبریز و ۲۸/۶ درصد در یزد) به‌صورت قطعی اثبات کرد. باین‌حال، داده‌های کمی به‌تنهایی قادر به تبیین چرایی، نیت‌خوانی کنشگران و کشف دینامیسم این رخداد نبودند. در این نقطه بحرانی از تحلیل، کاربست مفهوم «خروج از معیارها» در نمونه‌های کیفی وارد عمل شد. مصاحبه‌های عمیق با ذی‌نفعان همان پلاک‌های به‌شدت تخریب‌شده نشان داد این ناهنجاری‌های کالبدی (نظیر بتن‌ریزی شتاب‌زده

ساختاری (شامل آسیب‌های حاد در ۳۴/۶ درصد از پلاک‌های بررسی شده در اکوسیستم بازار جهانی تبریز و ۲۸/۶ درصد در محله شاخص فهادان یزد) اثبات کرد که بحران امروز مدیریت میراث در ایران، ریشه در خطای معرفت‌شناختی «تک‌بنامحوری» و نادیده‌انگاشتن پیوستگی ارگانیک بافت دارد. تلفیق متدولوژیک این داده‌های کمی با تحلیل مضمون بازتابی مستخرج از ۴۷ مصاحبه عمیق با ذی‌نفعان اصلی همان پلاک‌های بحرانی، سه سازوکار پنهان و اختصاصی از زوال اکوسیستمیک را در این دو شهر آشکار ساخت که وجه تمایز و بداعت اصلی این پژوهش محسوب می‌گردند.

نخست، در بستر بازار تبریز، پژوهش نشان داد که منطق تخریب خلاق و استراتژی نوسازی تجاری تهاجمی، از طریق مداخلات ظاهراً خرد معماری، کل سیستم را به ورطه نابودی می‌کشاند (Schumpeter, 1942). یافته‌های مستند ما به‌طور مشخص اثبات کرد که استفاده غیراصولی از کلاف‌کشی‌های بتنی و تیرهای فلزی نمایان در ساختارهایی نظیر تیمچه مظفریه و اجرای بسترهای نفوذناپذیر در کف‌سازی کاروان‌سرای امیر، صرفاً یک خطای مرمتی نیست؛ بلکه این مداخلات با مسدودسازی جریان مویرگی رطوبت، حبس آب در پی‌های خشتی و افزایش تصنیعی بار مرده، رفتار یکپارچه و ارگانیک سازه‌های خشتی و آجری را در برابر تنش‌های لرزه‌ای دچار یک عدم تجانس و شکنندگی ساختاری مرگبار کرده است. هم‌زمان، اجرای استراتژی فریبنده تخم فاخته در پهنه‌های پیرامونی بازار (نظیر تخریب گسترده محله باغمیشه و گذر پاساژ جهت احداث مجتمع‌های تجاری مدرن و پارکینگ‌های طبقاتی)، ارتباط مورفولوژیک بازار با بافت مسکونی پیرامون را به‌طور کامل قطع کرده و آن را به یک جزیره ایزوله و صرفاً مصرفی تقلیل داده است.

دوم، واکاوی پویایی‌شناسی شهری در بافت تاریخی یزد نشان داد سرمایه‌داری مستغلات، با نقاب اعیان‌نشینی گردشگری مینا وارد عمل شده است (De Cesari & Dimova, 2019). کالبدشکافی تحولات محله فهادان اثبات کرد فشار ناشی از رشد ۵۰۰ درصدی ورود گردشگران و هتل‌سازی‌های شتاب‌زده در یک دهه اخیر، اگرچه در ظاهر کالبد خشتی خانه‌های اعیانی (نظیر خانه تهرانی‌ها) را از فروپاشی فیزیکی نجات داده است اما با افزایش نجومی ارزش زمین، منجر به اخراج و رانده‌شدن سیستماتیک ساکنان بومی گردیده است. این کالایی‌سازی فرهنگ، بافت زنده یزد را دچار سندروم هولناک موزه‌ای شدن کرده است؛ جایی که حیات اصیل اجتماعی تخییر شده و شهر به یک دکور صحنه تئاتر برای مصرف بصری گردشگران در ساعاتی خاص تنزل یافته است.

سوم، این پژوهش از پیچیده‌ترین و مخرب‌ترین ابزار سوداگری در فضای شهری تحت عنوان تخریب پنهان پرده برداشت. بررسی تجربی مواردی نظیر فرسایش عامدانه، مسدودکردن



تصویر ۱۳. اینفوگرافیک پیشنهادی: ریشه‌های سیستماتیک تخریب میراث (ترسیم نمودارها توسط هوش مصنوعی Gemini). مأخذ: نگارندگان.

۳) ناکارآمدی قوانین بازدارنده: جریمه‌های تخلفات ساختمانی در مقایسه با سود حاصل از تجاری‌سازی یا هتل‌سازی بسیار ناچیز است و عملاً بازدارندگی ندارد.

• غفلت از ابعاد ناملموس و اجتماعی

در هر دو مورد مطالعاتی، رویکرد غالب حفاظتی (در صورت وجود)، کالبد-محور است. در تبریز، مرمت‌ها بر آجر و طاق متمرکز است و به حفظ ساختار اجتماعی بازار و اصناف سنتی توجه کمتری می‌شود. در یزد، حفظ کالبد خشتی خانه‌ها اولویت دارد اما تخلیه جمعیت بومی و گسست پیوندهای اجتماعی محله نادیده گرفته می‌شود. این درحالی است که طبق رویکرد HUL، حفاظت پایدار بدون حفظ جوامع محلی و ارزش‌های ناملموس ممکن نیست.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با عبور از رویکردهای توصیفی مرسوم در ارزیابی تعارضات توسعه و حفاظت و از طریق کاربست یک روش‌شناسی ترکیبی با طرح تبیینی متوالی، به کالبدشکافی تجربی و نظری مکانیسم‌های زوال در شهرهای تاریخی تبریز و یزد پرداخت. دستاورد نظری و بداعت بنیادین این مطالعه، اثبات استقرایی این گزاره است که تخریب بافت‌های میراثی در کلان‌شهرهای در حال گذار ایران، پدیده‌ای تصادفی، مقطعی یا صرفاً ناشی از فرسایش طبیعی کالبد نیست؛ بلکه برون‌داد سیستماتیک، سازمان‌یافته و گریزناپذیر استیلای «اقتصاد سیاسی فضا» و غلبه مطلق ارزش مبادلاتی بر ارزش مصرفی در فرایند تولید فضا است (Harvey, 1989; Lefebvre, 1991). در این ساختار معیوب، نهادهای متولی مدیریت شهری با اتخاذ رویکردهای نولیبرال و تقلیل‌گرایانه، بستر را برای سلب مالکیت و کالایی‌سازی بی‌امان فضای زیستی فراهم آورده‌اند. تحلیل‌های فضایی صورت‌گرفته روی ۱۵۶ پلاک تاریخی که در این مطالعه به‌عنوان «حسگرهای زنده شهری» ارزیابی شدند، پرده از یک واقعیت تلخ آماري برداشت. مستندسازی نرخ هشداردهنده دگرگونی‌های مخرب

۳) **استقرار راهبرد حفاظت اجتماع محور و پاد- اعیان‌نشینی^{۹۵}**: برای جلوگیری از دکورسازی شهری، تجاری‌سازی افراطی و حفظ روح مکان در بافت‌هایی نظیر محله فهادان، مدیریت شهری ملزم است با تزیین کاربری‌های مکمل و خدمات عمومی محله محور، ارتقای زیرساخت‌های رفاهی زیستی و درگیری‌سازی ساختاری جوامع محلی در منافع اقتصادی زنجیره ارزش گردشگری، از خروج اجباری بومیان ممانعت به عمل آورد. حفاظت واقعی تنها زمانی محقق می‌شود که «حق بر شهر^{۹۶}» به ساکنان اصیل بازگردانده شود و میراث به ابزاری برای ارتقای کیفیت زیست روزمره آن‌ها بدل گردد.

۴) **پایش میکروکلیماتیک و الزام به تجانس سازه‌های در مداخلات کالبدی**: توقف فوری و ممنوعیت مطلق استفاده از مصالح ناهمگون صنعتی (نظیر بتن، سیمان پورتلند و کلاف‌های فولادی) در استحکام‌بخشی و مرمت سازه‌های آجری و خشتی سنتی یک ضرورت است. نهادهای ناظر باید رویکردهای مرمت همگام با اکولوژی محلی و مکانیک خاک را الزامی نمایند تا ضمن حفظ قابلیت تنفس مورفولوژیک بناها، پایداری سازه‌های کل شبکه کالبدی در پیوند با زیرساخت‌های هیدرولیک باستانی (قنات‌ها) تضمین گردد.

عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Integrity
۲. Physical Carriers
۳. Creative Destruction
۴. Overaccumulation
۵. Tabula Rasa
۶. Hybrid Neoliberalism
۷. Cuckoo's Egg Strategy
۸. Tourism-led Gentrification
۹. Museumification
۱۰. Commodification of Heritage
۱۱. Displacement Hidden
۱۲. Genius Loci
۱۳. Scenography
۱۴. Right to the City
۱۵. Dematerialisation
۱۶. Preservation Paradox
۱۷. Destruction Historic
۱۸. Vernacular
۱۹. Authorized Heritage Discourse - AHD
۲۰. Urban Landscape - HUL
۲۱. Gentrification
۲۲. Mixed Methods
۲۳. Explanatory Sequential Design
۲۴. Integration through Connecting
۲۵. Inductive Reasoning
۲۶. Multi-scalar
۲۷. Individual Building
۲۸. Urban Sensors
۲۹. Co-presence
۳۰. Integrity
۳۱. Nested Sampling
۳۲. Deviant/Extreme Case Sampling
۳۳. Information-rich Cases
۳۴. Gentrification
۳۵. Interpretivism
۳۶. Constructivism
۳۷. Stakeholder Theory
۳۸. Information Islands
۳۹. Methodological Link
۴۰. Nested Sampling Strategy
۴۱. Deviant Semi-
۴۲. Snowball Sampling
۴۳. Theoretical Saturation
۴۴. Cases
۴۵. Structured Interviews
۴۶. Interview Guide
۴۷. Probing Questions
۴۸. Content Validity
۴۹. Pilot
۵۰. Informed Consent
۵۱. Verbatim Transcription
۵۲. Reflexive Thematic Analysis
۵۳. Unstructured Data
۵۴. Thematic Analysis
۵۵. Semantic Level
۵۶. Latent Level
۵۷. Audit Trail
۵۸. Familiarizing with the Data
۵۹. Reflexive Memoing
۶۰. Holistic Hierarchy
۶۱. Generating Initial Codes
۶۲. Deductive
۶۳. Inductive
۶۴. Searching for Themes
۶۵. Hierarchical
۶۶. Candidate Themes
۶۷. Reviewing Themes
۶۸. Nodes Defining and
۶۹. Extracts
۷۰. Data Set
۷۱. Internal Homogeneity

ناودان‌ها و آب‌بستن شبانه به پی خانه‌های تاریخی در یزد (باهدف ایجاد نامنی سازه‌ای و اخذ مجوز طلایی عدم ایستایی از کمیسیون‌های شهرداری) نشان‌دهنده یک زوال غیرمادی و نهادی است. فراتر از آن، پژوهش اثبات کرد چگونه تخریب‌های پنهان و ساخت‌وسازهای سوداگرانه بر روی دهلیزهای باستانی و کورکردن مسیر قنات‌ها (نظیر قنات زارچ)، منجر به فجایع اکولوژیک کلان شهری، از جمله پس‌زدگی ویرانگر سیلاب موسمی تابستان ۱۴۰۱ (اگوست ۲۰۲۲) و آسیب جدی به بیش از ۲۰۰ بنای ارزشمند ثبتی گردید. این یافته به‌روشنی نشان می‌دهد گسست زیرساخت‌های طبیعی از کالبد معماری، تاب‌آوری کل شهر را نابود می‌سازد. در هم‌نهستی نهایی، استنتاج استقرایی این پژوهش به‌صورت تجربی مؤید آن است که در ارگانیک درهم‌تنیده شهرهای تاریخی، هرگونه مداخله تقلیل‌گرایانه در اجزای خرد، مستقیماً انسجام و اصالت^{۹۴} منظر شهری را به‌عنوان یک کل متلاشی می‌سازد. از این‌رو، صیانت پایدار از این موارث جهانی مستلزم گذار فوری، قطعی و ساختاری از رویکردهای انفعالی، شیء‌محور و تک‌بنا، به پارادایم جامع‌نگر، پویا و اکوسیستمیک منظر شهری تاریخی (HUL) است (UNESCO, 2011; Bandarin & Van Oers, 2012). بر مبنای یافته‌های اختصاصی مستخرج از میدان این پژوهش، راهبردهای سیاستی زیر برای برون‌رفت از بحران کنونی و بازتولید تاب‌آوری شهری در ایران پیشنهاد می‌گردد:

۱) **دگرگونی پارادایم نهادی و مهار رانت فضایی در تولید شهر**: ساختار حاکمیت شهری باید با قطع وابستگی بودجه عمومی شهرداری‌ها به درآمدهای ناپایدار و مخرب ناشی از تراکم‌فروشی و تغییر کاربری در عرصه و حریم بافت‌های تاریخی، منطق سوداگری زمین را مهار نماید. تحقق این امر نیازمند ایجاد یک «ساختار حکمرانی شهری یکپارچه» است که در آن، ضوابط بازدارنده و حفاظتی پایگاه‌های میراث جهانی با ابزارهای مالی شهرداری‌ها (همچون اعطای یارانه‌های متقاطع، معافیت‌های هدفمند مالیاتی برای مالکان مسکونی اصیل و جبران عدم‌النفع مالکان پلاک‌های ثبتی) در یک راستا قرار گیرند تا ارزش مصرفی فضا بر ارزش مبادلاتی آن تفوق یابد.

۲) **نهادینه‌سازی قانونی ارزیابی تأثیرات بر میراث (HIA) در مقیاس خرد و کلان**: پیش‌از تصویب و اجرای هرگونه مداخله کالبدی (چه در سطح مرمت تک‌بناها (نظیر کلاف‌کشی در تیمچه‌ها) و چه در سطح احداث زیرساخت‌های کلان (نظیر مجتمع‌های تجاری جدید یا هتل‌ها)) انجام مطالعات جامع ارزیابی اثرات بر میراث (HIA) مبتنی بر راهنماهای ایکوموس باید به یک پیش‌شرط قطعی، غیرقابل تخطی و دارای ضمانت اجرای کیفی تبدیل گردد. این ارزیابی باید هم‌زمان اثرات سازه‌ای، بصری، اختلال در حریم، تغییرات جمعیتی و به‌ویژه اثرات اکولوژیک (همچون تغییر مسیر آب‌های زیرزمینی و قنات‌ها) را پایش نماید.

- Gharehbaglou, M., Hosseini, S. B., & Abbasianjahromi, H. (2016). Heritage significance and risk assessment of Tabriz historical bazaar, Iran. *International Journal of Architectural Heritage*, 10(2-3), 308-329.
- Hanachi, P., Yadollahi, M., & Gharehbaglou, M. (2018). Urban heritage conservation in Iran: Achievements and challenges in the post-revolutionary period. *Journal of Architectural Conservation*, 24(2), 89-110.
- Harvey, D. (1989). *The Urban Experience*. Johns Hopkins University Press.
- Khakzand, M., & Griffiths, S. (2016). The impact of rapid development on the historic urban fabric: The case of Isfahan. *Urban Design International*, 21(2), 134-156.
- Kouchakzadeh, M. (2018). *Number of tourists visiting Iran's Yazd province up 11%*. Iran Front Page News.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space* (D. Nicholson-Smith, trans.). Blackwell. (Original work published in 1974)
- Mahmoudi Farahani, L., & Motamed, B. (2018). Regeneration of urban heritage in Iran: Policy and practice. *Journal of Urban Design*, 23(6), 912-930.
- Merriam, S. B., & Tisdell, E. J. (2015). *Qualitative research: A guide to design and implementation* (4th ed.). John Wiley & Sons.
- Mousavi, S. M., & Mousavi, S. S. (2018). Bazaar of Tabriz: World Heritage as a tool for urban regeneration. *International Journal of Heritage Architecture*, 2(1), 138-149.
- Naghibi Rad, M., Aliabadi, K., & Yadollahi, M. (2019). The impact of tourism on socio-cultural transformation in the historic city of Yazd. *Tourism Management Perspectives*, 32, 100557.
- Nassiri, M. (2015). *500% growth of foreign tourists in Yazd province*. Tabnak News Agency.
- Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (2017). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. *International Journal of Qualitative Methods*, 16(1), 1-13.
- Oloumi, M. (2022). *Report on the damage to the historical texture of Yazd due to the summer floods*. ISNA News Agency.
- Onwuegbuzie, A. J., & Collins, K. M. (2007). A typology of mixed methods sampling designs in social science research. *The Qualitative Report*, 12(2), 281-316.
- Onwuegbuzie, A. J., & Leech, N. L. (2006). Linking research questions to mixed methods data analysis procedures. *The Qualitative Report*, 11(3), 474-498.
- Palinkas, L. A., Horwitz, S. M., Green, C. A., Wisdom, J. P., Duan, N., & Hoagwood, K. (2011). Purposeful sampling for qualitative data collection and analysis in mixed-method implementation research. *Administration and Policy in Mental Health and Mental Health Services Research*, 38(1), 44-53.
- Commodification .۷۳, Overarching Themes .۷۲, Naming Themes Rigor and .۷۶, Writing Up .۷۵, Gentrification .۷۴, of Heritage Member .۷۹, Credibility .۷۸, Guba & Lincoln .۷۷, Trustworthiness Thick .۸۲, Transferability .۸۱, Data Triangulation .۸۰, Checking .Auditing .۸۵, Peer Debriefing .۸۴, Dependability .۸۳, Description Reflexive .۸۸, Confirmability .۸۷, Inter-coder Reliability .۸۶, Microclimate .۹۱, Structural Hub .۹۰, Audit Trail .۸۹, Journals Anti- .۹۵, Authenticity .۹۴, Commodification .۹۳, Legibility .۹۲ Right to the City .۹۶, Gentrification

فهرست منابع

- رضازاده، راضیه و محمودی، حسین. (۱۴۰۰). نقش سیاست‌های شهری در تخریب بافت تاریخی یزد. *آمایش محیط*, ۵۲ (۱۴)، ۶۷-۸۴.
- Abdollahi, M., & Hosseini, S. B. (2020). Sustainable regeneration of historical urban quarters: A case study of Yazd, Iran. *Habitat International*, 95, 102092.
- Bandarin, F., & Van Oers, R. (2012). *The historic urban landscape: Managing heritage in an urban century*. Wiley-Blackwell.
- Bowen, G. A. (2008). Naturalistic inquiry and the saturation concept: A research note. *Qualitative Research*, 8(1), 137-152.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Chapagain, N. K. (2008). Heritage conservation in Nepal: Policies, stakeholders and challenges. *Vastu*, 10, 1-15.
- Creswell, J. W., & Plano Clark, V. L. (2018). *Designing and conducting mixed methods research* (3rd ed.). SAGE Publications.
- De Cesari, C., & Dimova, R. (2019). Heritage, gentrification, participation: remaking urban landscapes in the name of culture and historic preservation. *International Journal of Heritage Studies*, 25(9), 863-869.
- El-Bastawissi, I. Y., Raslan, R., Mohsen, H., & Zeayter, H. (2022). Conservation of Beirut's urban heritage values through the Historic Urban Landscape approach. *Urban Planning*, 7(1), 45-60.
- Elsorady, D. A. (2012). Heritage conservation in Rosetta (Rashid): A tool for community improvement and development. *Cities*, 29(6), 379-388.
- Ferretti, V., Grosso, R., & Bottero, M. (2019). A decision support framework for assessing urban regeneration plans: Insights from a case study in Italy. *International Journal of Sustainable Development*, 22(3-4), 208-228.
- Ferro, T. C., Rodrigues-Pinto, J., & Silva, A. T. (2024). Cultural commodification and the preservation of historic urban landscapes. *Cities*, 140, 104450.
- Ghaderi, Z., & Henderson, J. C. (2012). Sustainable rural tourism in Iran: A perspective from Hawraman Village. *Tourism Management Perspectives*, 2, 47-54.

- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice* (4th ed.). SAGE Publications.
- Pendlebury, J. (2013). Conservation values, the authorised heritage discourse, and the conservation-planning assemblage. *International Journal of Heritage Studies*, 19(7), 709-727.
- Preprints. (2026). *Historic buildings as urban sensors: Multiscale diagnostics for climate-resilient cities*. Preprints.
- Rey-Perez, J., & Siguencia Ávila, M. E. (2017). Historic Urban Landscape: An approach for sustainable management in Cuenca (Ecuador). *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 7(3), 308-327.
- Robinson, O. C. (2014). Sampling in interview-based qualitative research: A theoretical and practical guide. *Qualitative Research in Psychology*, 11(1), 25-41.
- Salmons, J. (2023). *Thematic Analysis with NVivo*. SAGE Methodspace.
- Schumpeter, J. A. (1942). *Capitalism, Socialism, and Democracy*. Harper & Brothers.
- Smith, L. (2006). *Uses of heritage*. Routledge.
- Stubbs, M. (2004). Heritage-sustainability: Developing a methodology for the sustainable appraisal of the historic environment. *Planning Practice & Research*, 19(3), 285-305.
- Talebian, M. H. (2022). *Assessment of structural damage to registered historical plaques in Yazd*. Official Portal of the Ministry of Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts.
- Tanner, P. (2023). Nested sampling in sequential mixed methods research designs: Comparing recipe and result. *Forum Qualitative Sozialforschung. Forum: Qualitative Social Research*, 24(1), 17.
- Tian, Z. (2024). Heritage as a driver for resilience: A four-dimensional Historic Urban Landscape approach to cultural heritage in urban development. *ISOCARP Congress Proceedings*, 55, 1-15.
- UNESCO. (2010). *Tabriz Historic Bazaar Complex*. World Heritage Centre: The List.
- UNESCO. (2011). *Recommendation on the historic urban landscape*. UNESCO.
- UNESCO. (2017). *Historic City of Yazd*. World Heritage Centre: The List.
- Wells, J. C., & Stiefel, B. L. (2018). *Human-centered built environment heritage preservation: Theory and evidence-based practice*. Routledge.
- Yung, E. H. K., & Chan, E. H. W. (2015). Problem issues of public participation in built-heritage conservation: Two controversial cases in Hong Kong. *Habitat International*, 49, 451-464.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
دهقانی اشکذری، علیرضا؛ فدوی، ملیکا و پیربابایی، محمدتقی. (۱۴۰۵). تعارض توسعه شهری و حفاظت از میراث معماری در شهرهای تاریخی ایران (تحلیل اثرات مخرب پروژه‌های توسعه بر بافت‌های میراثی تبریز و یزد). *باغ نظر*, ۲۳(۱۵۶), ۳۳-۵۴.

DOI: [10.22034/bagh.2026.568404.5966](https://doi.org/10.22034/bagh.2026.568404.5966)
URL: https://bagh-sj.com/article_243907.html

